

تهاجم ضد انقلاب و ضرورت اتحاد عمل

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند))
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند
(ولادیمیر ایلیچ لینن)

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۳ دوشنبه ۱۳ مرداد ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

(۱)

بورژوازی

يك سال ونیم پس از قیام

وسیع مبارزه توده ها و روبروست، در هر جا که نتوان
براحتی بر هیجان توده ها غلبه کرد، متوسل به
سلاح گرم میگردد، هیچکس به خاطر ندارد که در طبیعت
یکسال ونیم گذشته حتی برای نمونه چند مورد از
اعتراضات انقلابی وجود داشته باشد که در برابر
شان هیات حاکمه به زور و به تار و مار گردن معتر
ضین توسل نجسته باشد، بیوژه هر جا توده ها با
ایتکار خود دست به اداره مزارع و یا کارخانه
خود زدند، هر جا کارگران خواهان کنترل شدید
کارخانه و اداره آن بودند و یا میخواستند آزادی
کنند، "قهر متشکل" یعنی پاسداران، ارتش،
کمیته ها و دسته های مزدور دولتی به جان آنها
افتادند و این حرکت توده ها را با متوقف ساختن

بقیه در صفحه ۳۰

جوامع طبقاتی پیوسته آشکار و پنهان، آرام
وتند، آوردگاه مبارزه طبقاتی هستند، مبارزه
های که در اعماق موج میزند و همه چیز را در خود فرو
میبرد و سرانجام طومار جوامع طبقاتی را در سیر
فزاینده و آگاهانه خود درهم میبجند، مبارزه ای که
به سرعت با تکامل خود، نیروهای انقلابی را به
جلو و نیروهای عقب افتاده و ضد انقلابی را به تار
بخ مرده ملحق میسازد، چنین مبارزه ای اینک،
بخصوص پس از قیام بهمن ماه سر تا سر ایران را در
خود میفشرد.

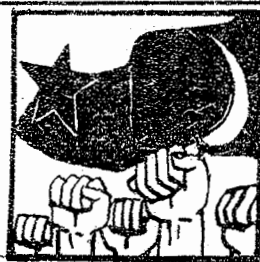
کارگران و توده ها، دهقانان و زحمتکشان شهری
هر روز با مسائل کوچک و بزرگ مواجه اند، و ناگزیر
بیرنگانه حتی برای ساده ترین خواسته های خود
به تعرض میادرت کنند، هیات حاکمه نیز که با ابعاد

پس از کشف توطئه اخیر ارتشیان
که در ارتباط با بورژوازی لیبرال و
شبه های جاسوسی و ضد انقلاب با سبق
سازمان داده شده بود، خرده بورژوازی
حاکم تعرض آشکاری را به مواضع
لیبرالها آغاز کرده است، اما آیا
این تنها مشخصه اوضاع ماست؟ آیا
خرده بورژوازی حاکم تنها بر علیه
بورژوازی لیبرالها دست به تعرض زده
است؟ پاسخ به این سئوالات میتواند
مرز میان تحلیل پرولتری و تحلیل
بورژوائی را روشن نماید، تنها
وقتی ما بتوانیم از دریچه انقلاب
آنچه را به پیش میرویم و آنچه را در
حفظ وضع موجود بطور کلی میکوشند
و سرازیر به توسعه انقلاب میباشند متوجه
کنیم، آنگاه میتوانیم بدرستی خط
سیر اصلی اوضاع را در برابریم و آنرا
آگاهانه دنبال کنیم.

جریانات اخیر سرانجام بلوک
سیاسی حاکم را یکپارده گردانید و با
زنگاری شدید قرارداد دو جناح حکومت
مت خود به جان یکدیگر افتاده اند،
مبارزه آنها مبارزه ای بر سر اعاده
نظم سرما به داری و وابسته به امیر
یا لیسیم، به طرق و شیوه های متفاوت
است، یکی از سرما به انحصاری و
بسته میخواستند هر چه زود تر و بهر طریق
خود را مستولی کنند و امیر یا لیسیم
موقعیت قدیم خویش را با ربا بسد و
دیگری ضمن حفظ همین سیستم موج
تن به شرایط امیر یا لیسیم و مو
قیمت قبلی سرما به انحصاری وابسته
نمیدهد، ما در نوشته های خویش این
مسئله را به حد کافی شکافته و نشان
داده ایم، بهر ترتیب پس از این
جریانات افشاکری علیه "ملیون"

بقیه در صفحه ۲۰

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی



قسمت پنجم

لایحه قانونی اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی برخلاف آنچه در
اسفند ۵۸ و در اشرک جنگ دوم گنبد ادعا شد، در واقع در ۲۶ فروردین ۵۹
از تصویب شورای انقلاب گذشت، این لایحه کلیات طرح اصلاحات
ارضی مبنی بر واگذاری اراضی، تشکیل هیات ۵ نفره مرکزی و هیاتهای
۷ نفره محلی و نحوه برخورد کلی به مالکیت مالکین بزرگ مشخص شده بود
اما جزئیات نحوه اجرای آن کماکان مورد بحث و کشمکش درون هیات
حاکمه قرار داشت کشمشی که بر سر تدوین و تصویب آن بین نامه اجرایی
این لایحه ادامه داشت و تا اواخر خرداد ماه ۵۹ به درازا کشید.

بقیه در صفحه ۷۰

در پیک رزمندگان میخوانید
● حقایق جلادان رفیق شهید
تقی شهرام را رسوا میکنند
● شاه دوباره مرد!
● گرامی باد سالروز ۱۴ مرداد!
● بحث بعد از مرگ شاه!
● آیامجاهدین خلق از مبارزه
طبقاتی درس میگیرند؟
● بمب گذاری ضد انقلاب، نه
نه زین برای دستگیری انقلابیون
● اخبار کارگری
● اخبار کردستان قهرمان
● اخبار کوناه

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

آغاز می شود و حتی را دیو علنا ستارخان، باقرخان و مصدق، رهبران جنبش ملی را در کنار خائنینی از قبیل نزیبه، امیرانتظام، بختیار و دیگران به یاد حمله میگردانند آن را دشمن خلق و دوست امیرالایسم می نامند. (روز چهارشنبه ۸ مرداد)، در مجلس شورای اسلامی "گفته میشود: احزاب ضد انقلابی از قبیل جبهه ملی باید منحل شوند" و "۱۰۰۰۰۰ این جریان در وجه اول ممکن است واقعا دست و پای کسی را که به یک وجه هر پدیده ای توجه میکنند ببندد، بویژه آنکه می باشد و در درگیری های علنی بر سر تعیین نخست وزیر می باشیم. حتی تعیین آن اعلام میگرد و روز بعد در یک نشست و با پیام و فرمانی لغو میگرد. پس چیزی که ما باید به آن توجه کنیم چیست؟

جنبش انقلابی آن وجه دیگری میباشد که باید کانون دقت و بررسی ما را تشکیل دهد. ضد انقلاب حاکم علی رغم هرگونه اختلاف و تضاد که در درون خود داشته باشد و علی رغم هرگونه تضادی که با ضد انقلاب سابق دارد، برای لحظه ای کوتاه نیز چشم از مبارزه توده ها بر نمی دارد. جنبش انقلابی هیات حاکمه را به پوشیدن چکمه کشانده است. آنها به خوبی دریافته اند که حتی خطر کودتا، خطر ضد انقلاب سابق نیز به تقویت نیروهای انقلابی منجر میگردد. همه، بخرانهای سیاسی و اقتصادی یک سال و نیم اخیر به تقویت نیروهای انقلابی منجر گردیده و با وجود نوسانات و تحولات گوناگونی که در رویه حیات مردم و جانبداری آنها از انقلابیون و یا توهم نسبت به حکومت

سیرهن میگردد. هیات حاکمه و جناح خرده بورژوازی آن که به این مسئله وقوف دارد، از ترس این نیروها یعنی از ترس انقلاب، در زمانیکه معلوم شده است نیروهای ارتشی دست نشانده و مزدور و یا نزدیک به بورژوازی لیبرال، همان کسانی که خود حکومت جدید آنها را منصوب و یا ابقاء کرده است به کودتا و توطئه میزنند، در چنین زمانی در نماز جمعه خود فریاد بر می آورد: ارتش ما بدن سالمی است زیرا شیئی خارجی یعنی کودتا چنان را از خود رانده است! آری، الله خمینی نیز به تطهیر ارتش میپردازد. آنها در برابر توده ها از ارگان هایی که باید بدان در سرکوب و کشتار نکاه نمایند، دفاع میکنند و نمی گذارند مردم پی به ماهیت این ارتش ببرند.

در عوض هیات حاکمه چه میکند؟ این خرده بورژوازی حاکم در همه جا به نیروهای انقلابی و حشایه حمله و رمیشودن آنها در طی همین روزهای اخیر ما شاهد اعدام انقلابیون و کال رگران مبارز بوده ایم. اعدام رفیق شهرام و رفیق فرامرز حمید، اعدام چندتن از کارگران مبارز اندیمشک، و دستگیری و اعدام یکی از اعضای شورای مرکزی ترکمن صحرا همگی از چه حکایت میکنند؟ اعدام کمونیستها به جرم کمونیست بودن و یا تعلق به این یا آن سازمان کمونیستی که زمانی حکومت جرات آن را نداشت رسمی شده است. سال جدید بویژه سال گسترش تعرض به نیروهای انقلابی، دستگیری، تعقیب و ممنوعیت نشریات سیاسی، و... بوده است. رشد

"مجلس شورای اسلامی" که در واقع انجمن عمومی هیات حاکمه است، خواهان جلوگیری از تبلیغات و فعالیت نیروهای کمونیست و سایر انقلابیون میگردد و آنها را در ردیف حزب توده و جبهه ملی مورد حمله قرار میدهد.

آنها در کردستان حتی با نیروهای ضد انقلاب سابق، عملا درگیر جنگ

هستند، اما برای یک ساعت هم که شده با شد مبارزه بر علیه خلق کرد را قطع نکرده اند. بیوسته نیروهای خود را در کردستان به سمت مناطقی که هنوز در دست خلق کرد است گسیل میدارند و سعی نیست که به توطئه علیه خلق کرد مشغول نباشند.

آنها بی شرمانه و وفیانه ضد انقلابیون را متحد امیرالایسم می نامند. و به بهانه مبارزه با امیرالایسم هم که شده با ضد انقلاب بیون را سرکوب میکنند. از نظر حکومت انقلابیون "کفار حربی" هستند و شایسته قتل عام. توده های انقلابی، کارگران و زحمتکشان "کفار حربی" هستند و شایسته کشتار! بنا بر این نمیتوان حتی برای یک لحظه هم که شده با شادین جنبه از عملکرد هیات حاکمه را، همه جناح های ایش را و جناح مسلط و قدرتمندش یعنی خرده بورژوازی حاکم را ندیده گرفت. این سیر ثابت و دائمی هیات حاکمه است: تا زمانی که توده ها مبارزه میکنند، تا زمانی که نیروهای کمونیست و انقلابی، توده ها را آگاه میکنند و برای مبارزه سازماندهی می نمایند، تا زمانی که انقلاب به پیش میرود ضد انقلاب برکوب و کشتار خود را ادامه خواهد داد تا مگر بر آن غلبه نماید. و چون ما بسرای انقلاب، برای آزادی واقعی کارگران و توده های دهقان و زحمتکش شهری مبارزه میکنیم، چون به پیش میرویم، پیوسته مورد حمله و تعرض، قتل و اعدام و... واقع خواهیم شد. انقلاب خط دیگری را نمی شناسد. ضد انقلاب حاکم نیز پیش از هر چیز در برابر انقلاب فرار دارد. هر شرایط دیگری که در آن ضد انقلاب حاکم تجزیه شود، و یا سازش های لنینیستی

و تاکتیکی در مبارزه لازم گردد، نمی تواند در حال حاضر بر این حقیقت سا به افکند و آن را از یک سازد. ما در سرمقاله و سایر مقالات رزمندگان شماره ۱۳، حتی شرایطی که نیروهای بختیار، کودتا چنان، امیرالایسم و... متحد و وارد عمل شده اند بررسی کردیم و تاکتیک صحیح را در آن شرط ایط ارائه دادیم.

هم اکنون ما مواجه با موجی اپورتونیستی هستیم که زیر بهانه مبارزه با امیرالایسم بورژوازی لیبرال و غیره توصیه میکنند خود را بسندیم و فراموش کنیم که برای مبارزه انقلابی باید بطور انقلابی مبارزه کرد. برای آزادی توده انقلابی باید انقلاب توده ای را سازمان داد و برای پیشبرد انقلاب باید با ضد انقلاب مبارزه نمود.

اما اپورتونیست های جنبش ما بلافاصله سؤال میکنند: مگر نمیگویند آنها با ضد انقلاب سابق میجنگند! و تضادهایی با بورژوازی لیبرال دارند! پس چرا نباید با آنها متحد شد؟ چرا نباید این نیروها بر علیه آن دیگری متحد گردید؟

این ترجیح بنده هم، اپورتونیست ها در شرایط مشابه اوضاع ماست. آنها نمی گویند و اقاً چه کسانی میتوانند ضد انقلاب سابق و ضد انقلاب باشند؟ آنها با حاکم هر دو را نا بود کنند؟ آنها با توضیح نمی دهند که وقتی هیات حاکمه به سرکوب انقلاب میپردازد و انقلابیون در اس توده ها انقلاب را به پیش میبرند، کدامیک ضد انقلابی است و به ضد انقلاب سابق خدمت میکند؟

هم اکنون ما مواجه با موجی اپورتونیستی هستیم که زیر بهانه مبارزه با امیرالایسم بورژوازی لیبرال و غیره توصیه میکنند چشم خود را ببندیم و فراموش کنیم که برای مبارزه انقلابی باید بطور انقلابی مبارزه کرد. برای آزادی توده ها انقلابی باید بطور انقلابی مبارزه نمود.

مبارزه انقلابی، مبارزه ای است که هیات حاکمه کنونی را بر خلاف ادعای اپورتونیستها در بر نمی گیرد. سازمان دهی انقلابی توده ها، سازماندهی مستقل آنهاست و خواه بر علیه ضد انقلاب حاکم، یا نیروها و عوام مل امیرالایسم آمریکا، بختیار و... و ایسی و... این تنها از کوران و کوران بر می آید که ندانند در حال حاضر چه

بقیه در صفحه ۶

آنها بی شرمانه و وفیانه ضد انقلابیون را متحد امیرالایسم می نامند و با بهانه مبارزه با امیرالایسم هم که شده با ضد انقلابیون را سرکوب میکنند. از نظر حکومت انقلاب بیون "کفار حربی" هستند و شایسته قتل عام. توده های انقلابی، کارگران و زحمتکشان "کفار حربی" هستند و شایسته کشتار!

نیروهای انقلابی حکومت را به ترس انداخته و آنها که در واقع از توده ها و جنبش انقلابی بیشتر از هر چیز دیگری ترسند، در بدترین شرایط از تجاوز و نیروهای امیرالایسم را یکا گرفته تا حمله افراد مزدور و ایسی و شایه و بختیار و یا توطئه کودتا در ارتش، در همه این حالات سرکوب انقلاب را فراموش نمیکنند.

بوده است، این سیو غیر قابل چشم پوشی میباشد. هر چه وقایع و حوادث کا ملتر میشوند، هر چه ارتش ما هیت خود را بیشتر نشان میدهد، هر چه معلوم میگردد و ساکیهای آزاده و سرمایه دارانی که هیات حاکمه جدید آنها را راهی اروپا کرده چه کاری مشغولند، صحت گفتار و کردار انقلابیون و افشاگریهای آنسان

بورژوازی...

و با به مجرای قهرآ میز و حدکشانیدند.

بحران سیاسی در حاکمیت و توسعه میانه‌ها طبقه‌ای، بحران اقتصادی پیش از قیام را دائماً تشدید کرده است. نه تنها بسیاری مشکلات توده‌ها همچنان لاینحل مانده بلکه بحران سیاسی حاکم بر جامعه عمیق و عمیق تر گردیده است. بیگاری، تورم، فقر و فلاکت کارگران و توده‌های زحمتکش را تحت فشار قرار داده است. سرمایه داران حاضریه سرمایه گذاری نیستند. و هیات حاکمه نیز توانایی برآوردن اخذ چرخه‌ای اقتصاد را ندارد. آنچه که بر این بحران دامن میزند، بحران در حاکمیت سیاسی است. همانطور که بارها گفته ایم این بحران ناشی از انبساط دوسیع جنبش توده‌ای و نیز ترکیب هیات حاکمه میانه‌ها.

ما در اینجا به بررسی این بحران، ویژگیهای آن و مراحلی که طی یکسال و نیم پس از قیام از سر گذارنده میگردیم. بررسی بحران در حاکمیت سیاسی از چندین لحاظ اهمیت دارد. از یکطرف ما را به خصیصه‌تفا‌ها و اختلافات درون هیات حاکمه و جنبه‌های وحدت و تفا‌دیلوک سیاسی حاکم واقف میگرداند و از طرف دیگر خط سیر تفا‌دهای درون هیات حاکمه را از لحاظ تحولات بعدی آن بو یژه در ارتباط با مبارزات طبقه‌ای جامعه به ما نشان میدهد. وقتی ترکیب و حرکت حکومت و قدرت سیاسی موجود حاکم بر ما روشن گردید آنگاه ما میتوانیم تاکتیک‌های مبارزه توده‌ها را براساس سطح مبارزه آنها و بحران شدید حاکم بر اوضاع اقتصادی - سیاسی و اضمحلال قیطرطر حریزری و به مرحله عمل درآوریم.

* * *

هدف اصلی ما در این نوشته بررسی وضعیت بورژوازی حاکم از قیام بدینسو میانه‌ها. طبقاً این بررسی در متن همان بحران عمومی که گفتیم انجام میپذیرد و به سه دوره تقسیم میگردد. این سه دوران با نقاط عطف مربوط به غلبه همسازی و درگیری در درون بلوک و با تشدید آن از هم متمایز میگردند. این دوره‌ها در متنی از مبارزه توده‌ها، شرایط بحرانی داخلی و بین المللی جریان داشته اند و این عوامل به تناسیب بر روی این دوران و تغییر آن تاثیر داشته اند.

قیام بهمن ماه ۱۳۰۲، آغاز دوره اول محسوب می گردد. آنچه قیام بوجود آورد، پیش از آنکه محصول قیام باشد محصول ضد قیام، یعنی محصول سازش و هیزان جنبش ۷ - ۵۶ می باشد. بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی که متحداً در رهبری جنبش قرار داشتند، با قیام مغالط بودند و با هیچ چیز دربار آن نگفتند جز آنکه آیت الله خمینی درست نرگمان هنگامی که توده‌ها به سرچ و باروهای دیکتاتوری شاه و ارتش عریض و طویلش را درهم میشکستند فریاد میزد: "هنوز دستور چه ا نداده ام!"

پیش از این نمایندگان خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال با بختیاری و بسیاری عوامل اصلی رژیم شاه پیرامون چگونگی انتقال مسالمت آمیز حکومت سخن گفته اند. و حتی بختیاری استعفا‌ی خود را نوشته برای امام میفرستد. اگر

خرده بورژوازی حاکم، بنا بر طبیعت طبقه‌ای خود تفا‌دی که با سرمایه بزرگ دارد، تدریجاً درمی یابد که بورژوازی لیبرال ها نه در موضع آنها در بر خورد با سرمایه بزرگ، که در موضع دفاع و نمایندگی سیاسی طبقه بورژوازی و بطریق اولی سرمایه انحصاری و امپریالیسم هستند.

شاه پرستان در این زمان در فکر کودتا هستند، توده ها در فکر انقلابند. آنها تعرض را آغاز میکنند. توده ها منتظر فرمان "جهاد" نمی نشینند، و دست به "قیام" میزنند. قیام ما را در رهبران جنبش نبود، اراده توده ها بود که هرگز نداشتند بودند رهبران آنها بیشتر از هر چیز بفریبکاری های "اعلام همبستگی" از طرف ارتش و ارگانها ی سرکوب حکومت سابق بودند. امپریالیسم آمریکا با اتکا به بورژوازی و روحیه و خصایسل ضد کمونیستی خرده بورژوازی مرفه سنتی، تن به عقب نشینی و در واقع تسلیم میدهد. زیرا در هر حال ادامه جنبش انقلابی و توسعه مبارزه قهر آمیز تنها میتواند نتایج نیروهای رادیکال و انقلابی را ارتش دهد. در مقابل رژیم شاه، یک رژیم جدید که در آن بورژوازی حضور دارد و ارگانهای قهر و سرکوب دست نخورده میمانند نمیتوانند به تراز رژیم با شکله به معنی واقعی، تکلیف را یکسره کند. یعنی رژیمی که در ادامه جنبش برآشرداوم مبارزه انقلابی ممکن بود بوجود آید. خرده بورژوازی برجینش توده ها و موقعیت خود در میان انبوه وسیع مردم متکی بود، و بورژوازی لیبرال به موقعیت تاریخی خود نقش واسطه‌ای که در رابطه با امپریالیسم داشت. چنین بود که حکومت جدید بلوک سیاسی متشکل از بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی از سویی بر اساس و از سوی دیگر بر اعتماد دو مبارزه توده ها سوار بود.

خرده بورژوازی حاکم، بیش از هر چیز پایه های جمهوری مذهبی خود را میریزد. شکل های خود را ایجاد میکند و تکلیف خود را آنجا که میتواند و شرعی است با ساواکیها و سران ارتش روشن میکند.

حکومت جدید، ماشین دولتی را از چنگ مردم نجات داد و توده های انقلابی را توسطه گستر نامید. آنها به احیای نظم قدیم پرداختند و اگر کانهای سرکوب رویه ویرانی را با فتوی ها و اعلا

میه های خود از زیر آتشبار مرگ آفرین توده ها نجات دادند و از با گیری ارگانهای توده ای و ارتش انقلابی جلوگیری کردند. در محرکاه اولیین روز حاکمیت نویسن اعلام خدمت مبارزه طبقه‌ای قدغن است. خلق سلاح توده ها آغاز شد و همه آنچه در گذشته بین حکومت نوین را پسوی قدرت را نده بود مذموم و ضد انقلابی اتلاق گردید: اعتصاب کم کاری، تظاهرات، راهپیمایی و و بدینگونه آنچه در گذشته انقلابی بود، از طرف هیات حاکمه جدید ضد انقلابی خوانده شد. اما در مقابل انقلاب نیز ضد انقلاب خود را، در رهبری خویش پس از قیام مشاهده کرد. رهبران جنبش ۷ - ۵۶ به ضد انقلاب حاکم تحول یافتند. چنین است منطق تاریخ پیش از آنکه پرولتاریا پرچم سرخ خویش را برافرازد و متزلزلین و سازشکاران و خیانتکاران را از صف انقلاب بیرون بریزد: "تمام دگرگونی ها به جای نابودی ماشین دولتی به احیا و بازسازی آن به گونه ای دیگر منجر شدند، و به جای آنکه جامعه محتوی نوین کسب کند، دولتی ضد انقلابی بر روی کار آمد که کهنه ترین شکل خود در برابر توده ها قرار گرفت." نقل به معنی از ۱۸ بروم. آنچه در برابر توده ها قرار گرفت، آنچه که پرولتاریا میخواست هنوز در آئینده، در مبارزه ای بی امان، نهفته بود. در با سخ کارگران شرکت نفت که گفته بودند ما باید در شورای انقلاب نماینده داشته باشیم، حکومت جدید گفت: "شما نمیتوانید در مجلس آئینده، بهار لمان، نمایندگان خورا بفرستید!" و برآستی که پرولتاریا نه در مجلس آئینده، که در حکومت آئینده است که قدرت خویش را نشان خواهد داد.

بهر ترتیب آنچه که نام هیات حاکمه جدید را بخود گرفت آشکارا متناقض و مملو از تفا‌دها بود. بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی یک نقطه مشترک قوی داشتند. آنها هم تصور که در قیام حرکت توده ها را "توطئه" مینا میدند، نسبت به توده ای که ممکن بود مسلح شود، توده ای که آرام نهای خویش را در قیام تحقق نیافته میدیدند، متغیر بودند. این توده از همین امروز (۲۲ بهمن) میبایست متوقف گردد. میبایست سرکوب گردد و برای سرکوب آن میبایست آنچه که از دیکتاتوری سابق بجا مانده بود احیا شود، و ارگانهای جدیدی ایجاد گردد. چنین بود که ارتش سرکوبگر، در استان محراب هیات حاکمه جدید به مذهب گروید و الحاد آریا مهری آن به ایمان جمهوری اسلامی تغییر یافت. بازسازی ارگانهای سابق و ایجاد ارگانهای جدید آغاز شد. کمیته های محلی به زودی زیر تسلط خرده بورژوازی حاکم درآمدند و تدریجاً به سپاه سازان تغییر شکل یافتند. خرده بورژوازی ارگانهای خود را ایجاد میکنند. بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی متفقاً به سرکوب جنبش انقلابی میپردازند.

میدانیم که در طی جنبش ۷ - ۵۶ و قیام بهمن ماه بورژوازی بوروکرات وابسته و بورژوا

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

بورژوازی...

از خصوصی وابسته ضربات شدید متحمل شدند. آنها گریختند و یا در طی جریان ناآرامی ها کشته شدند. در بازمقامات برجسته دولتی هریک به میهن اصلی خویش، کشورهای امپریالیستی رفتند و در آنجا به ناظران و توطئه چنان تبدیل شدند. سرمایه داران بخصوص در سال ۵۷ بخش عظیمی از سرمایه های خود را خارج کردند و به با نگرهای امپریالیستی سپردند تا توجه به این امر و ضربه سیاسی که حاکمیت سابق خورده بود، و با توجه به اینکه بورژوازی لیبرال (متوسط) از موقعیت ضعیفی در جنبش برخورداری و دوازلحاظ اقتصادی نیز قدرت چندانی نداشت. به اضافه، توده ها شا هتو سانات آنها بودند و اعتمادشان به آنها از مجرای اعتماد به خرده بورژوازی میگذشت. کلا در حاکمیت جدید موقعیت ضعیف تر را داشتند. خرده بورژوازی حاکم که قدرت و سازماندهی اداره جامعه را بلافاصله بعد از قیام نداشت و برای بازاول در تاریخ ایران خود را در حاکمیت میدید، اختیارات بی خود حضری را به بورژوازی لیبرال سپرد.

بورژوازی لیبرالها به احیاء ارتش و انتظام دادن به آن پرداختند و مراو نظامیان برجسته ای را که تا این زمان جان سالم بدر برده بودند، در رأس ارتش به کارگماشتند. قوه نی ها در اسارتش قرار گرفتند. آنها تقاضای عفو و اکیان "بی گناه" را کردند و گفتند: همدم رژیم سابق گناهکار بوده اند. بلافاصله پس از قیام اطمینان های عریض و طویل در تاسمین و مصونیت سرمایه داران صادر کردند. هر کدام حکومت جدید را بیهوشی توانستند به ایران برگردانند و سرمایه ها و کارخانه هایشان را به کاربیا ندازند. حتی به سرمایه های خارجی و کشورهای امپریالیستی اطمینان داده میشد که اگر سود دالانه بپردازند و ظلم نکنند به کار خود ادامه دهند. قراردادهای اسارتیاری نظامی و اقتصادی نه تنها از میان نرفت بلکه بجای خود باقی ماند و بدون "افشاء" بکار ادامه دادند. آنها علنا از "مغیبدون بعضی از این قراردادها" سخن میگفتند. آنها اصلاحات ارضی زمان شاه را مورد تأیید قرار میدادند و میگفتند: اصلاحات ارضی انجام شده و در این زمینه کاری برای انجام شدن وجود ندارد. دولت موقت "که عمدتاً وجه بورژوازی لیبرالی حاکمیت را متعین میکرد، بدینگونه همان شعار را دنبال مینمود که پیش از سرنگونی رژیم دیکتاتوری سابق اعلام کرده بود: هیچ چیز دست نخورد! فقط شاه سلطنت کند و نه حکومت! یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم حفظ شود اما تغییرات ساده روبنایی بکند. آنها خواستار ارتباط با امپریالیسم شدند و آبراضوری دانستند. بدین ترتیب وابستگی حتی سیاسی به امپریالیسم را خواستار گردیدند. امپریالیسم که از موقعیت بورژوازی لیبرالها خرسند بود، در این دوران هیچگونه عکس العملی نشان نمیداد. آنها منتظر تحولات بعدی بودند و دستبند، آنها که سرکوبگری

حکومت جدید و دعوت های پیاپی بازرگانها را از سرمایه داران می بینند، و می بینند امثال مدنی ها و سنجایی قطب زاده ها و یزدی ها علناً در عرصه سیاست شرکت را می کنند به آینه ایمن حکومت امیدوار میگردند. روابط سیاسی با کشوری نظیر مصر حفظ میگردد و بورژوازی لیبرالها صراحتاً آنرا مباح میدانند و ضروری در آن نمی بینند. وقتی دادگاههای انقلاب آغاز به کار میکنند و ساواکیها و عناصر رژیم سابق را دستگیر و محاکمه میکنند و فریاد لیبرالها بر می خیزد. آنها ایمن اقدامات را غیر منصفانه توصیف میکنند، و برای گرفتن عفو عمومی از آیت الله خمینی کوشش فراوان به خرج میدهند. در حالیکه این دادگاهها تحت فشار توده ها، و کمیته های خرده بورژوازی به عناصر برجسته رژیم سابق، به کار خود ادامه دادند. آنها به فریاد بورژوازی لیبرال که میگفت: انتقام نگیرید! ای اعتنا ما ندند.

بدین ترتیب اختلافات خود را بروز میدهند. این اختلافات "کوچک" و "بزرگ" در پس خود تمامی آن چیزی را نهفته داشت که سرتاسر حاکمیت کنونی را از لحاظ تفادهای درونی اش در سیر بر عکس توضیح میدهد.

در اینکه بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی

حکومت جدید، ماشین دولتی را از جنگ مردم نجات داد و توده های انقلابی را توطئه گر نامید. آنها به احیای نظم قدیم برداشتند و ارگانهای سرکوب رویه ویرانی را ساختند و با اعلامیه های خود از زیر آتش مرگ آفرین توده ها نجات دادند و از آنها کفری ارگانهای توده ای و ارتش انقلابی جلوگیری کردند.

حاکم هر دو بالا تفاق در جهت بازسازی سرمایه داری وابسته حرکت میکردند و نمی توانستند چیزی این کنند و تردید وجود ندارد. اما به همان اندازه که خصومت این حرکت بورژوازی است، میتواند بنا به اینکه از طرف چپ کسی و چگونه در طی چه پروسه ای انجام گیرد مورد اختلاف باشد.

بورژوازی لیبرالها در مجموع با تأیید کامل روحانیت حاکم که عمدتاً نمایندگی خرده بورژوازی مرفه سنتی را میکرد، تلاش مینمود، سرمایه داری وابسته را تنها "بدون" شاه دوباره به جریان اندازد. خرده بورژوازی حاکم که در حال وهوای قبل از قیام و در فکر جلوگیری از ادامه جنبش است، در این دوران در واقع وحدت خود را با بورژوازی لیبرالها می بیند و پس آنها خواهان جامعه ای مبتنی بر اسلام هستند و هنوز مصلح نبودند و در چنین جامعه ای مسلمان بودن معیار است یا موضع طبقاتی! آیا اسلام خرده بورژوازی مرفه سنتی میتواند همان اسلام بورژوازی لیبرالها باشد. بورژوازی لیبرالها که برای استقرار وضعیت خود در واقع مخالف حکومت مذهبی یا دولتیست "مذهبی" و خواهان "دولت سیاسی" بودند اعتراض خود را تنها با جمهوری دمکراتیک اسلامی اعلام کردند. با پیش گرفتن سیاست های بورژوازی و از جمله قرارداد خرید اسلحه از آمریکا، حفظ

قراردادها، تلاش در جهت تحکیم روابط با آمریکا، تفادهای بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم تدریجاً خود را آشکار تر نشان میدهند. خرده بورژوازی حاکم برخلاف ادعای کسانی که میگویند در همان عت اول در حکومت به بورژوازی تبدیل شده است، عملاً از همان زمان با پیش گرفتن شیوه ها و روش های مخابریز، ایجاد تشکلهای خود، با طرح دادگاههای انقلاب و دستگیری و اعدام عوامل موثر رژیم سابق تحت فشار توده ها، ملی کردن صنایع، ...، نه تنها بورژوازی نشده، بلکه تدریجاً وضع خود را در حاکمیت که با اتکا به قدرت توده ای وسیع قابل توضیح است سروصورت میدهد.

دولت موقت با طرحهای ملی کردن منابع و بانکها (که در واقع بود بورژوازی نیز بود) مدتی مخالفت میکنند و پس از چندی بنا بر ضرورت حفظ سیستم آنرا پذیرا میشوند و بازرگانان از نیروهای "مومن قدیمی" که اکثراً در تشکیلات دیکتاتوری دست بکار بودند شروع به بهره برداری میکنند. باید از نیروی متخصص آنها استفاده کرد. اما از طرف دیگر هر چه قدر بورژوازی تلاش میکند تا قدرت را متمرکز سازد و بزرگوار فرمادهی خود را آورد، هر چه قدر تلاش میکند ارتش را به طور وسیع نیروی خود سازد، مواجه با ایجاد دودشدارگانهای دیگر میگردد. بورژوازی لیبرالها از "چند مرکز بودن" قدرت شکوه سر میدهند. آنها مقدرات سرمایه داری را بشیوه خود در واقع شیوه طبیعی سرمایه داری وابسته درک میکنند و به همین شیوه نیز در پی تحقق آن هستند.

بورژوازی حاکم طی "دولت موقت" به دنبال بازگرداندن روال عادی به تولید و به راه انداختن اقتصاد و به این منظور به ایجاد روابط با کشورهای امپریالیستی میپردازد. و امپریالیست ها نیز در حرکت دولت موقت نقاط اتکاء مناسب خود را می بایدند. به ایند همین دولت را تقویت کرد. چنین دولتی میتواند با بازگرداندن نظم و برآه اندازی دستکها و ارتش و غیره همه چیز را تدریجاً به روال عادی بازگرداند. این پیش بینی امپریالیست ها در جزیره "گوادولوپ" بود. و میبایست تحقق میافت!

خرده بورژوازی حاکم بیش از هر چیز پیایدهای جمهوری مذهبی خود را میریزد. تشکلهای خود را ایجاد میکند. و تکلیف خود را تا آنجا که میتواند و شرعی است با ساواکیها و سران ارتش روشن میکند. البته بطور کلی آنها همخوانی خود را با بورژوازی از طریق فتواها، اعلامیه ها و مذمت ها و تکفیرهایی که از مبارزه کارگران و زحمتکشان بعمل میآورند، نشان میدهند. ولی هنوز "اسلام" و "ملی گرایی" آنطور که بیدوشاید با هم روبرو نشده اند. گرچه خرده بورژوازی حاکم به بورژوازی میدان داده است، اما مبارزات توده ها، اعتراضات و وسیع بیکاران و جنبش خلقها به آن اجازه نمیدهد، در این میدان، قدرت بیا بد. ارتش خود را قیام ضربه خورده است و اعتراضات وسیع درون آن هنوز باقی است. اگر چه فرماندهان عمدتاً عوامل رژیم سابق و در جناح بورژوازی اند اما در شرایطی که ما از آن سخن میگوئیم قدرت حقیقی در پاییه های ارتش و

بورژوازی...

همچنین در توده‌هاست. آنها در ابتدا مدافعان و در پشت سر خرده بورژوازی حاکمند. ارتش اعتماد به نفس خود را هنوز با زنیافته در حالیکه در همه جا کمیته‌ها عمل میکنند. بدینگونه آیت الله خمینی مدتی بعد در ۲۷ مرداد ۵۸ در ضمن اعلام تهاجم وحشیانه ارتش در کردستان خود را "فرمانده کل قوا" مینامد و چندی پس از این با ادا مه‌فالیست "خودستاره" کمیته‌ها و پاسداران بازرگان میگوید: "من دسته‌چاقویی هستم که تیغه آن درد ست دیگری است". از همین زمان است که تظاهرات درون پلوک سیاسی حاکم تدریجا خود را می نمایاند. بوضوح معلوم میشود که در واقع بورژوازی لیبرال در حکومت از منافع سرمایه‌انحصاری وابسته مصر - انده دفاع میکند و خواهان تغییر در اوضاع نیست. بورژوازی انحصاری وابسته که نمایندگان اصلیش گریخته اند و خودش تار و مار شده است اینک در پناه بورژوازی لیبرال در صدد احیای وضعیت سابق خویش است. سرمایه‌انحصاری نمایندگی خود را در حاکمیت به بورژوازی لیبرال تفویض میکند. بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت موقت روبه‌تیزا پدید می‌آورد. در جریان انتخابات بات مجلس خبرگان برای "تدوین یا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی" امیرانتظام

کمکهای مالی دریافت شده

برای اطمینان شما از دریافت کمک‌های مالیستان به‌ما زمان یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده و به همراه حرف اول نام خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج میکنیم

الف	ج	ظ
۵۰۱۴۵	۱۰۲۳	۲۰۳۸
۱۳۰۱۷	۵۰۰۱	
۶۰۳۳۲	ک	ع
۱۰۱۱۶	۱۰۰۴۵	۵۰۰۶
۵۰۰۲		
۱۳۰۱۷	ل	م
	۲۰۰۷۵	۲۰۱۵۰
پ		۲۰۲۳
۱۶۰۰۰	س	۱۲۰۹۰
	۲۸۰۱۴	۳۰۰۵
ت	۲۰۰۱۴	۳۰۴۱
۴۰۱۳۲		۲۵۰۴۲
۴۰۲۳۵	ش	۳۰۰۵
	۶۵۱۷۰	۴۰۰۰۵۰
ج		
۲۵۱۱	ف	ن
۲۰۱۴۰	۵۰۱۸	۱۴۵۰۰
۲۰۰۶۲	۲۱۲۴	
۲۰۰۳	۶۶۶۶	ه
	۳۰۰۵۷	۲۱۲۵
د		۱۰۰۵۰
۲۹۰۰	۵۹۹۹-؟	و-۱۱۰۷۵

به یاد رفیق شهید تقی شهرام

مرثیه سرخ

اینک

که سینه، پر ز مهر خلقت
با آتش کینه بکارگران
گل‌وله نشان میشود،
خودنیک میدانی
که قطره‌های روشن خونت
بر پرچم مقدس خونینشان
از سرب سرخ
برای پیکر سرمایه
پیرایه میشود.

چشمان پرفروغ

اینک

که بر ردیف سلاح فرومایگان
بسردی صخره‌های برف آلود کوهساران
نظاره میکند،

نیک می بیند

روزهای روشن فردا را،
آنجا که سلاح کارگران
سینه استعمار را
هدف قرار میدهد.

لیخن‌پرولا بت

اینک

مرگ ایستاده و سرش را زافتار را
منتظر مانده است،
تا فریاد را مت
لبانت را

بسوی جهان آفرینندگان جهان
ترک گوید.

و بر آنان پیا می‌برد،

که "بیا خیزیدای کارگران!"

"بیا خیزیدای زحمتکشان!"

دروازه‌های ظلم و استثمار

در انتظار رگشوده شدن

با دستهای دوران ساز شماست.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

سرمقاله

بقیه از صفحه ۲۰

کسانی سرکوبگرترده‌ها هستند و وقتی بختیارها و اوپوی همه نیروهای امپریالیستی بنا به تضادهای موجود و اداریه دخالت یا درگیری با حکومت گردند دنیا بد سیرا این جنبه از حرکت حکومت گردیدیم و در هر حال با پیدا استقلال خود را در مبارزه انقلاب بی حفظ کنیم راه قطعی در مبارزه بر علیه هرگونه اقدام ضد انقلاب باقی حاکم بسیج توده‌هاست و بسیج توده‌ها بسیج آنها برای انقلاب بر علیه هر نوع ضد انقلاب است. این ما نیستیم که برای مقابله با ضد انقلاب باقی باید بزرگترین حکومت برویم. اگر حکومت واقعا میخواهد با ضد انقلاب باقی مبارزه کند، نباید انقلاب را سرکوب کند و چون چنین است انقلاب راه سوم خود را جدا از هر دو ضد انقلاب به پیش نواهدبرد. با زشکاری مجاهدین، در سخت ترین شرایط نیز ملهم از همین موضوع است. کمتر کسی نمیداند که بورژوازی حاکم خود نیرویی در جهت متحد امپریالیسم میباشد. اما ما مجاهدین خلق با طرح

خطر "ارتجاع" که همان خرده بورژوازی حاکم باشد یا شدیداً من دیگسری می افتند. مجاهدین منتظر قانونی نشسته اند تا فعالیت آنها را ازاد بگذارد که

تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی بیشتر از هر زمان ضرورت دارد. وحدت یگانوار راه فاشیستی و فعال و قاطع بر جنبش انقلابی است. بدون قطب کمونیستی که بتواند جویبارهای پراکنده را در بستروا حدی هدایت کند، مبارزه انقلاب بی نابامان باقی خواهد ماند. هر کس در این راه گام بر ندارد و چهار دیوار سکتاریسم و گروه گرایی را نشکند، و با یک مبارزه ایدئولوژیک جدی و فشرده به این مجرای انقلابی نگذارد، به جز شست و پرا کندی و لاجرم ضربه زدن به جنبش انقلابی در چنین اوضاع متحولی، کاری نکرده است.

خود این قانون و مواضع و مداخلات آن، مخالف فعالیت آنها است. "قانون انقلاب" توده‌ها هستند و

"قانون حکومت" در مبارزه البته بنا به ضرورت لازم است اما نباید از این قانون انتظار داشت به موجودیت ما و مبارزه کلی ما صدمه بگذارد. این قانون در هر حال قانونی است که مشروعیت ضد انقلاب را و سرکوب و کشتار آنرا مقدس میکند. مجاهدین خلق با قطع انتشار نشریه خود و موکول کردن آن به "اجازه از وزارت کشور"

ترک حضور فعال در جنبش انقلابی و حتی زیر سؤال قرار دادن موجودیت خود، در واقع موجودیت جنبش انقلابی را نیز زیر سؤال میکشند. در شرایطی که بیش از هر زمان دیگر دنیا به افشاگری حکومت و دفاع از آزادی نهی دمکراتیک مردم احساس میشود، در شرایطی که جنبش انقلابی میروند تا در سربو به اعتلا خود مار با زهم با غلبان توده‌ها رو برو سازد، چنین تاکتیکی اگر پشت کردن به جنبش انقلابی نباشد، لاف اقل ضربات سنگین بر آن زدن است. زیرا مردم را راه میکند تا بزرگوار و بال حکومت بروند و به ادعاهای

بقیه در صفحه ۹

بورژوازی...

اعاده حیثیت به سرمایه داران فراری بالامیگیرد. خرده بورژوازی حاکم بنا به طبیعت طبقاتی خود تضادی که با سرمایه بزرگ دارد، تدریجاً درمی یابد که بورژوا لیبرالها نه در موضع آنها دربرخورد با سرمایه بزرگ، که در موضع دفاع و نماییندگی سیاسی طبقه بورژوازی و بطریق اولی سرمایه انحصاری و امپریالیسم هستند. بورژوا لیبرالها خواهان برقراری سلطه سرمایه انحصاری و حفظ سرمایه داری وابسته به همان شکل و ابعاد قدیم بودند و این برای خرده بورژوازی غیر قابل تحمل بود. رابطه بورژوا لیبرالها با امپریالیسم آمریکا مشهود بود و یک کنفرانس در الجزایر و ملاقات یزدی و بزرگان با برژینسکی مشاوران منبتی کار ترپها نه را برای تعرض خرده بورژوازی به بورژوازی و احیای قدرت هیات حاکمه در بین توده‌ها فراهم نمود. بی اعتباری و سبب دولت موقت در میان توده‌ها، و گسترش مبارزات توده مردم، و بویژه افشاگریهای وسیع نیروهای کمونیست و تجربیات روزمره دولست موقت را به عنوان دولت جمهوری اسلامی مورد سؤال مردم قرار میداد. ضعف بورژوازی لیبرال و قدرت وسیع توده‌های خرده بورژوازی، در طی این مدت هرگز به آن تقدیر اجازه قدرت پای نداد که بتواند در مقابل جریان سفارت مقاومت کند. آنها باز آن خواسته بودند و سیل آمد، اما این

و بزرگان در پی طرح نقشه‌های گوناگون هستند، تا از این مجلس جلوگیری کنند. حتی آیت الله خمینی نیز قانع نمیشود که مجلس منحل گردد و از نتایج انتخابات شود و میگوید: اما دوباره همین ها انتخاب خواهند شد. تلاشهای بزرگان و سایر بورژوا لیبرالها در مخالفت با ولایت فقیه و اصولا قانون جمهوری تدریجاً خرده بورژوازی حاکم را به خود میآورد. ترکیب "شورای انقلاب و دولت موقت" نیز نمیتواند راه را برای حل مسئله باز کند. این اختلافات در همه زمینه‌ها موجود است. میباید آیت الله خمینی بگوید: "دولت موقت انقلابی عمل نمیکند!" و بدین ترتیب منازعه شکل علنی بخود میگیرد. از این پس تازمانی که سفارت آمریکا اشغال میشود، درجه بدرگیری در درون بلوک حاکم بر همسازی غلبه میکند. کنترل اوضاع، بادوشیوه، استقرار نظم بادوشیوه و حتی سرکوب بادوشیوه نمیتواند مدت چندانی دوام آورد. بویژه آنکه جاسوسان و سرمایه داران بورژوازی لیبرال را ما من خوبی برای خود میداند. شکست در کردستان، ناتوانی در پاسخگویی به مسائل توده، اعتراض وسیع بیکاران و کارگران به وضع خود... همگی اعتماد مردم را نسبت به حکومت سست میکنند. پیش از جریان اشغال سفارت آمریکا، همانطور که گفتیم اختلافات بر سر رابطه آمریکا، قانون اساسی، ولایت فقیه، آزادی احزاب و

سیل هنوز سیل حقیقی از جانب توده‌ها نبوده است. بیکبار آنرا نابود سازد. اشغال سفارت آمریکا که با تمهیدات خرده بورژوازی حاکم بوجود آمد، نقطه عطفی در تضادهای درون حکومت در طی این دوره محسوب میگردد. اگر بخوایم بطور خلاصه اساسی ترین خصوصیات این دوره را از لحاظ بلوک سیاسی حاکم شرح دهیم باید بگوئیم که در آغاز همسازی خرده بورژوازی و بورژوازی حاکم بر منازعه آنان غلبه دارد. آنها در مقابل توده‌ها و بخاطر قدرتی که بدست آورده اند دست یکدیگر را می گیرند و هر چه به جلو میرویم، هر چه توده‌ها بیشتر بر علیه نظم موجود مبارزه میکنند و هر چه ناتوانی بورژوازی حاکم در اداره جامعه و تسایل آشکار آن به تقویت موقع امپریالیسم آشکار تر میگردد، اختلافات بیشتر میشود. خرده بورژوازی حاکم که خود را با دولت موقت منتخب خویش در تضاد می بیند راهی ندارد جز آنکه آنرا بکنار بزنند و با اتکاء به قدرت خویش میتوانند آنرا بکنار بزنند. زند و شورای انقلاب را به "دولت" تبدیل کند. "دو فرمانده خوب" به نفع یک فرمانده بد "کنار نرفتند، بلکه هر دو با برتری با زهم بیشتریکی بردیگری باقی ماندند.

بطور کلی بورژوازی در ایران در طی جنبش انقلابی ۷ - ۵۶ ضریب شدیدی متحمل شد و در آن ۱۳۲ آن با ماه دومین ضربه را وارشان آن، نمایندگان کل بورژوازی که بخش‌های بوروکرات و خصوصی وابسته آن گریخته بودند، یعنی بورژوازی لیبرال متحمل گردید.

"اما ما دارد"

که اکنون بتصویب رسیده است اصل بر آنست که تضاد حاد میان نسله دهقانان و مالکین بزرگ را برترب و با ارجحیت زیر تخفیف دهد: بر اساس ماده ۲۵ آئین نامه اجرایی قانون جدید اقلیت ارضی قابل واگذاری عبارتند از:

۱- اراضی صادر شده بر اساس ماده ۳ همین آئین نامه مابین اراضی به دو گروه تقسیم میشوند:

"الف- اراضی که بصورت واحدهای بزرگ کشت و صنعت و مکانیزه و یاغات میباشند و تقسیم آنها بمصلحت جامعه نیست، در مورد این اراضی هیات ۷ نفری موظف است با مشورت متخصصین و بنیاد مستضعفین تصمیمات مقتضی درباره آنها اتخاذ نماید."

تجربه یکسال و نیم عملکرد جمهوری اسلامی نشان میدهد که این گروه از اراضی، با همان شیوه ها و مناسبات حتی مسئولین گذشته، توسط ارگانه های مختلف جمهوری اسلامی بویژه بنیاد مستضعفین اداره شده و میشوند و تنها تغییرات سطحی در روابط و نگاه عواید کارگران، اجل ره کاران، مقاطع سرگران، میا شرین و... بوجود می آید.

"ب- سایر اراضی صادر شده که قابل واگذاری است، توسط هیئت های هفت نفره با رعایت شرایط و ضوابط در اختیار و اجدین شرایط قرار داده خواهد شد."

۲- اراضی بایر- این اراضی بر طبق تعریف ماده ۱ عبارت از "زمینهایی است که سابقا بقاء در دولتی بعلت اعراض یا عدم بهره برداری بدون عذر موجه مدت ۵ سال متوالی متروک مانده یا بمانند". بر طبق تبصره ماده ۳:

"چنانچه اینگونه اراضی کمتر از پنجاه و بیست و سه سال تعطیل مانده باشند تا دوباره بر عرف محل زمین در اختیار صاحب آن قرار میگیرند و مابقی با رعایت اولویتهای ذکر شده در مواد بعدی، به واجدین شرایط واگذار میشود."

به این صورت آن بخشی از زمینهای بایر که برای واگذاری باقی میماند و با توجه به اعمال نفوذ مالکین در استثناء نمودن زمینهای مرغوب و سهل الاطباع، زمینهایی خواهد بود که به صرف مخارج و تشریف زیادی برای احیاء مجدداً زمیندار است. زمینهایی که بیش از ۵ سال و حتی ۱۰ سال متروک بماند یا مانده فاقد آب، چاه قابل استفاده و تسطیح لازم و برای دهقانان فقیر و متوسط غالباً غیر قابل بهره برداری با صرفه است.

۳- اراضی موات- زمینهایی است که سابقاً بقاء و بهره برداری ندارد و بصورت طبیعی باقی مانده است. (ماده ۱ آئین نامه) این اراضی اصولاً فاقد امکانات بهره برداری است. خاک نامرغوب، فقدان آب، عاری از جاده و آبادی و مشکلات سخت ارضی دیگر استفاده از آنها را حتی برای زمینخواران و سرمایه داران بدون صرفه نموده است چه برسد به بیاعتنا دهقان فقیر و متوسط!

۴- اراضی دایر- در ماده ۵ آئین نامه این اراضی تحت عنوان "اراضی دایر بزرگ" به دو گروه تقسیم شده اند:

"الف- تصرف اراضی از راه مشروع و صحیح" که در این مورد اگر "متصرف" شخص یا کشاورزی بر روی آنها مشغول باشد تا سه برابر عرف محل زمین در اختیار خواهد ماند. و غیر اینصورت تا دوبرابر این عرف در صورتیکه اراضی دایر بزرگ "مکانیزه باشد و اگذار نشده و ارگانه های حکومت جای مالک را خواهند گرفت."

"ب- تصرف اراضی از راه غیر مشروع" که با "پول حرام" (۱) و غصب و جعل و امثالهم بدست آمده باشد که هیئت های محل به آنها رسیدگی خواهند کرد.

به اینصورت بخشهای مهمی از اراضی مالکین بزرگ یا در مالکیت آنها خواهد آمد و بطبعاً بهترین اراضی را شامل میشود، و با در مالکیت دولت آمده و هم چنان گذشته اداره میشود. (اراضی مکانیزه)

اطلاعات ارضی جمهوری اسلامی بهای اراضی یا بروداری کسب از مالکین بزرگ بعد از استثنای و رعایت احوال آنها میگیرد و میپردازد. بنا به ماده ۲۸ آئین نامه تحت عنوان "بهای نسق" (۲) چگونه یکسری پرداخت به این صورت است:

"الف- تمام قیمت زمین تا میزان پنج برابر عرف محل.

ب- از ۵ تا ۵۰ برابر، یک چهارم نسبت به مازاد ۵ برابر.

از هنگامیکه لایحه "نحوه واگذاری و احیاء اراضی موات در حکومت جمهوری اسلامی" در ۲۵ شهریور ۵۸ بتصویب و سپس در مقابل رشد جنبشهای دهقانی و کلا مبارزات توده های در سراسر ایران شکست خورده و بعداً با سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال در ۲۸ آبان ۵۸ عملاً ملغی شده بود، ۷ ماه میگذشت. هفت ماهی که همچنانکه در قسمتهای قبلی نشان دادیم سراسر توده ها در توده و توسعه جنبشهای دهقانی در روستاها بود. هفت ماهی که در کردستان جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد پیروز شده و جمهوری اسلامی را به انفعال و گذران وقت برای تجدید قوا واداشته بود. هفت ماهی که در پائین و زمستان ۵۸، در ماههای بیست جنبشهای دهقانی گذشت و با جنگ دوم در گنبد و اوج جدیدی رسیده بود. از نظر جمهوری اسلامی این هفت ماه فضا را غیر قابل تحملی "آزپائین" بود که در "بالا" تنها بعنوان ضرورت تجدید نظر متجلی میگشت.

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی (۵)

لایحه جدید (مصوب ۵۹/۱/۲۶) تحت عنوان "لایحه قانونی اصلاح نحوه واگذاری و احیاء اراضی از مجرای پنج درپنج مطالعه ها، بررسی ها، فتواها، و مملکتها گذشت. تفاوت اصلی در لایحه قدیم و جدید اولویت واگذاری اراضی و برخورد به مالکیت مالکین بزرگ بود. لایحه قدیم اولویت را بر اراضی موات میگذاشت. و لایحه جدید بر اراضی صادر شده. لایحه قدیم کلاً نتایج اصلاحات ارضی شاه و مالکیت های قانونی موجود را بر سمت و غیر قابل تعرض میبناخت و لایحه جدید آن را در صورت لازم قابل نقیض! البته دوبرخورد متناوب به اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی اما در محتوا یکسان، در قیاس با عمق و توسعه جنبشهای دهقانان فقیر و متوسط الحال در روستاها، دوبرخوردی که ناشی از ابتکار عمل دوگرایش مختلف طبقاتی در جمهوری اسلامی است.

اگر لایحه قدیم به ابتکار بورژوازی لیبرال بدست امثال ابزیدی ها تدوین گشت و در حین کنفرانس مالکین بزرگ و متوسط در مهر ماه ۵۸ سندیت یافت، لایحه جدید به ابتکار خرده بورژوازی بدست امثال "امفانی" ها تهیه شده و در حین مطالعه متخصصین و فقها و حکام شرع به قانونیت رسیده بود.

طرح جدید:

طرح جدیدی که پس از اصلاحات فراوان و منطبق نمودن آن با "شیعاً اسلام" به تصویب شورای انقلاب و تأیید آیت الله منتظری و متکی بر رسیده است طرحی است که در درجه اول منافع خرده مالکین را در نظر دارد. در صورتی که متذکر شدیم که قشر قدرتمند خرده مالکان که در واقع همان خرده بورژوازی مرفه روستاهاست در مورد مسئله ارضی و دهقانی دو خواسته اساسی دارد. اینک اولاً: بنظم موجود در روستاها که اکنون از طرف جنبشهای دهقانی بخطر افتاده است با اصلاحات محدودی حفظ و تحکیم شود، و ثانیاً اینک دولت حمایت بیشتری را از خرده مالکان بنمایند و سیاست خوراک این قشر تنظیم نماید.

مهمترین خرده بورژوازی مرفه در حکومت فرصت گرانیهایی برای خرده مالکان بوجود آورده تا سیاست مورد نظر خویش را تا میزان نماید. در طرحی

ما این حساب و اکذاری زمین اسباب از ناحیه اراضی باسروموات
مورت میکبرد. بخشی از اراضی با پرینز هم چنان در دست مالکان بزرگ
باقی مانده (تجزیه زمین) و مابقی علاوه اراضی موات منبع اصلی
زمینهای قابل واکذاری به دهقانان را تشکیل میدهند. این زمینها
محتاج صرف هزینه و سرمایه گذارهای اولیه کفاف و صرف نیروی فرا

صفحه از صفحه ۱۰۰

اطلاعیه...

رفیق نقی شهرام را دستگیر کردند.

ارتجاع حاکم پس از ماها شکنجه و آزار جسمی و روحی که روی در حیدمان شاه را سید می کرد، نتوانست در می در ارادۀ انقلاب بی و خلل ناید بر رفیق شهرام حلی ایجاد کند، و با وجود آنکه بارها و بارها در مواقع مختلف به دنبال اعمال فشار، باج و آزادی بسراغ وی میرفتند، اما کوشش بر دمی در عزم راسخ و اراده پولادین وی بوجو دنیامد، و همچون کوهی استوار در برابر ارتجاع مقاومت نمود و سرانجام با دفاع فیرمانانه خویش در بیدارگاه رژیم جمهوری اسلامی در آخرین دقایق حیات خویش به افشای ماهیت عدالتی بی هیات حاکمه همت گماشت، و برگ زرین دیگری بر کتاب مدافعان انقلاب بی قهرمانان شهید ایران اضافه کرده و لکه ننگی ابدی بر دامن خرد و بورژوازی حاکم فروگفت، لکه ننگی که با آب زمزم و کوشش تمام او را دودهای آسمانی هرگز از لوح وجود این حکومت پاک نخواهد شد، جرد و بورژوازی حاکم که از خوف پیشروی امواج انقلاب هرآن بیشتر و بیشتر وحشتزد و می گردید، از بیم آنکه میا د این انقلابی بزرگ بدست توده ها از زندان آزاد شود و عطش انتقام آن ناکام بماند با شتاب و وحشت دست به محاکمه و فحاحه وی شمرانه رفیق شهرام زد، محاکمه بی که نظیر شراحتی در طول رژیم سفاک و خائن پهلوی ندیده بودیم، محاکمه بی که در آن نه از متهم خبری بود، و نه حتی از وکیل متهم، این سفله گان رژیم حاکم حتی اجازه ورود وکیل رفیق شهرام را به دادگاه ندادند، آنها حتی نگذاشتند که وکیل رفیق شهرام کوچکترین ملاقاتی با وی داشته باشد، و از همه مهترانیکه تحمل شنیدن آخرین دفاع این متهم، انقلاب بی را انداختند، چونکه هر کلمه از سخنان وی تیزی بود که بر قلب رژیم جمهوری اسلامی فرو می نشست، اینان حتی از همان اولین جلسه دادگاه رفیق شهرام زخم خورده و غیظ آلود هستند، شهرام این انقلابی بزرگ، این کمونیست قهرمان در آخرین دقایق عمر خویش نیز در فکر جنبش کمونیستی و انجام وظایف خود بود، او که از حکم اعدام خویش اطلاع یافته بود، با قلبی مالا مال از عشق به آرمان طبقه کارگر به کمونیست با توصیه وحدت و هشیاری می نمود، و آنها را دعوت به وحدت برای تحکیم صفوف جنبش کمونیستی و مقابله با توطئه های قریب ا لوقع حکومت می کرد، و پس از آن در لحظاتی بعد به سه تاریخ پیوست، و برگی زرین و پرشکوه بر تاریخ جنبش کمونیستی ایران افزود.

او با سکوت انقلابی و مقاومت قهرمانانه خویش در برابر فشار حاکم مرتجع مشت محکمی بر دمان هیات حاکمه کوفت و نقشه هایشان را در ایجاد محاکمه بی نمایشی بر علیه نیروهای انقلابی نقش بر آب ساخت، و از محاکمه خود، وسیله ای در جهت هر چه بیشتر آگاه نمودن توده های مردم ایجاد نمود.

اما در مقابل سکوت انقلابی او، ما با سکوت سازشکارانه و جیونانه دیگران روبرو بودیم، سکوتی که از ترس و وحشت برمی خاست و آمیخته بود، با حساسیتهای مآشات کرایانه و محافظه کارانه در قبال رژیم حاکم.

این کسان که رهبران سازمان مجاهدین خلق از آن جمله اند، بجای آنکه به امواج توفنده انقلاب و گامهای روبه پیش توده ها عابیندیشند و با تکیه آنها محاکمه ضد انقلابی رفیق شهرام را محکوم نمایند، مفلوکانه موضعی سکوت آمیز، اما سکوتی محافظه کارانه و فرصت طلبانه پیش گرفتند، آنها از ارائه اطلاعات موجود در نزد خویش که بخوبی می توانست ادعا های پوچ رژیم حاکم را خنثی کند، خودداری نمودند، رهبران سازمان مجاهدین خلق از راه شواهد و مدارکی که درباره فاطمه نرتوک، جواد سعیدی و شهادت رضاشاهی و غیره در اختیار داشتند، شواهد و مدارکی که بخوبی پوچی وی پایگی افترا ها و بیستانیهای خائنه رژیم را در مورد رفیق شهرام افشاء می کردند، مضایقه کردند.

دفاع قهرمانانه و ایستادگی صخره وار رفیق شهرام در برابر حکومت جمهوری اسلامی و بیدارگاه ضد انقلابی آن، عظمت روح انقلابی این کمونیست بزرگ را بر ما ثابت می کند، و در عین حال مشت محکمی است بر دمان کف آلود ضد انقلاب و نیز نقطه اختلافی با فرصت طلبان و سازشکاران.

اوشان داد که کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند، آنها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.

انتخار و سرفرازی همیشه از آن انقلابیونی است که در برابر عدالت انقلاب تن به سازش نمی دهند!

دود به روح بر عظمت رفیق شهرام!

دود به روان همه شهیدای خلق!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

۵۹/۵/۳

سرمقاله

صفحه از صفحه ۶۰

آن رنگ حقیقت بخشد، اینست تجلی دمکراسیم تا بیکیروم و مزلزل شود خرد و بورژوازی می بینیم کسبه هیچ تئوری سازشکارانه و اپورتونیستی در اوضاع کنونی نمیتوانند حرکات ضد انقلابی حکومت و با جناحی را از آنرا تهییر کنند، این خط سیر است و دانشی حرکت حکومت و همه جناحهایش میا شده که جنبش انقلابی را سرکوب کند.

* * *

این امر ما را و امیدار که در صدر هر برتا به خود سازمانده سی و ارتقاء مبارزه طبقا تیدا قرار دهیم، مبارزه انقلابی کنونی در متنی از بحران اقتصادی - سیاسی به پیش میرود که هر روز پیچیده تر میگردد، ما باید از سراز کوره راههای تیرشیب و فراز بگذریم، شرکت فیسال در جنبش کارگری و مبارزات دمکراتیک و تلاش برای سازماندهی آنها وظیفه ای است که هر آینه ما به هر بهانه ای از ترابه شعوبی بیاندازیم، به اهداف تاریخی خود لطمه زده ایم، بسیج توده ها و سازماندهی آنها به ما اجازه خواهد داد که با اتکا به قدرت آنها، و با اتکا به حرکت انقلابی آنها تاریخ را از گاه ها نه بسازیم، اما همانطور که در شماره های قبل رزمندگان نیز گفتیم، شرایط موجود، آن شرایطی نیست که بتوان با نیروی محدود و در چهار چوب انرژی و توان تشکیل های پراکنده جنبش م. ل. بر جنبش توده ای تاثیر گذاشت، آراست و سو بخشد.

تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی تیشتر از هر زمان ضرورت دارد و جدت بیگانه راه تا شرجدی و فعال و قاطع بر جنبش انقلاب است، بدون قطب انقلابی کمونیستی که بتواند جو بارهای پراکنده را در بست و واحدی هدایت کند، مبارزه انقلابی تا بسا مان باقی خواهد ماند، هر کس در این راه گام بر ندارد و چهار دیوار سکتاریسم و کروه کاری را نشکند، و با یک مبارزه بدشولوزیک جدی و فشرده به این مجرای نکذارد، به جزشتت و پراکندگی و لاجرم ضربه زدن به جنبش انقلابی در جنبش اوضاع متحولی، کاری نکرده است، اما بلاهت خواهد بود هر گاه ما مبارزه خویش را موکول به وحدت کل جنبش کمونیستی بنمائیم، و حتی

سرمقاله

در وضعیتی که ممکن است هر دقیقه پیچیده تر گردد انواع توطئه های امپریالیسم و بورژوازی صورت پذیرد، به جای فکر کردن به راه خطای مقطعی جهت شرکت فعال در جنبش، توجه خود را معطوف به هدف نهایی کنیم. بدین جهت است که ما ضمن تاکید بر اولویت وحدت جنبش کمونیستی و دعوت همه نیروهای کمونیست به مبارزه با دژولوزیک در مسیر این وحدت بر روی اتحاد عمل مشخص کمونیستهای می. قشریم. تنها با چنین اتحاد عملی است که ما میتوانیم در اوضاع بیفرج تر، اولاً بطور موثری به فعالیت خود ادامه دهیم و ثانیاً نیروهای دمکرات انقلابی را واداریم که با ما در چنین شرایطی دست اتحاد را بگیرند. اتحاد نیروهای کمونیست و انقلابی دمکرات نمیتواند بطور جداگانه و از طرف سازمانهای پراکنده و از موضعی ضعیف صورت پذیرد. اگرچه چنین اتحادی با وجود جنبش کمونیستی مطمئن تر و جدی تر خواهد بود، لیکن هیچکس تاکنون نتوانسته است تضمین کند که همه تلاشهای ما در راه وحدت اصولی، هر چه زودتر به نتیجه برسد. به همین علت ما می گوئیم اتحاد عمل جنبش کمونیستی در اوضاع پیچیده تر میتواند مبنای نیرومندتری (و اصولی تر) برای اتحاد جنبش انقلابی باشد.

بنابراین ما ضمن تاکید بر فعالیت هشیارانه و همه جانبه کمونیستهای در سازماندهی مبارزه و ددها، تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی و در شرایط مشخص اتحاد عمل آنها برای اتحاد عمل جدی در جنبش انقلابی را ضروری میدانیم! نیروهای دمکرات انقلابی را تنها یک قطب کمونیستی نیرومند که محمول وحدت جنبش کمونیستی با در صورت افراط اتحاد عمل باشد میتواند تا حدودی از تزلزلات و ناپایداری نجات بخشد. در غیر این صورت سرنوشت مبارزات توده ها و همه جنبش ما همچنان در راههای اربابان خواهد ماند.

اطلاعیه

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در مورد:

اعدام ضد انقلابی رفیق محمد تقی شهرام

وسکوت ساز شکارانه سازمان مجاهدین خلق در برابر سکوت انقلابی رفیق شهرام!

سجراگاه امروز، یکی از تک فروغ های افتخار آفرین جنبش کمونیستی بدست جوخه تیرباران هیئت حاکمه شهید شد. خون سرخ او بر سنگفرش حیاط زندان وین فرو ریخت و با خون دهمبا و صد هاتن از فرزندان دلیر خلق کبیرما که بدست دژخیمان رژیم پ. لوی شهید گشته بودند، درهم آمیخت.

آمینش خون این تازه شهید خلق ایران با خون شهدای دوران رژیم پهلوی آنهم در سنگفرش زندان اوین حکایت از ادامه راه انقلابی آن شهید، در دوره پس از قیام و بدنبال سرنگونی رژیم خائن پهلوی می کند.

حکومت ضد انقلابی موجود که بریستر خونهای هزاران هزار قهرمان راه آزادی خلق ایران از یوغ ستم و استثمار سرمایه داری و بسته و بدنبال سازش کثیف خود با امپریالیسم و بورژوازی بقدرت رسیده بود، از همان روزهای نخست پس از قیام لوله تفنگ رابروی نیروهای انقلابی و کمونیست نشانه گرفت. و روزی نبود که خون تنی چند از فرزندان انقلابی ایران را بر زمین نریزد. روزی در کردستان، روزی در خوزستان، روزی در گنبد و انزلی و اخیراً در روز دهمه جادست به کشتار بیرحمانه نیروهای انقلابی می زند. و امروز بدنبال یک محاکمه غیابی قرون وسطایی، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، جنگال خونین خود را در حلقوم انقلابی بزرگ و کمونیست قهرمان تقی شهرام فرو کردند. رفیق شهرام، از چهره های قدیمی مبارز انقلابی بر علیه رژیم شاه بود، و از یون انقلابیگری و وفاداری خویش به خلق را در شکنجه گاه، و زندان و در جنگ و گریز رژیم شاه بخوبی نشان داده بود. این فرزند دلیر خلق که نقش بزرگی در هدایت و سازماندهی انقلاب بین در مبارزه قهرآمیز و بیگانه بر علیه رژیم شاه داشت. در جریان تغییر و تحولات ایدئولوژیک و درونی سازمان خود از جمله کسانی بود که پیشا بیش همه برچم مارکسیسم - لنینیسم این رهنمای مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم را با فراشت، و دست به ترویج آن زد.

اما در مسیر این مبارزه بر علیه خرده بورژوازی و ایدئولوژی آن مرتکب اشتباهاتی شد، اما آن اشتباهات به پست ترین شکلی مورد سوءاستفاده خرده بورژوازی مرتجع قرار گرفت.

خرده بورژوازی مرتجع که از ضربات مهلک هجوم مارکسیسم - لنینیسم برخورد زخم خورده، و هر آن دری - انتقام خونین از عوامل این شکست بود، همچون مار زخمی در بدید بدنبال شهرام بعنوان عامل اصلی تئیسر ایدئولوژی سازمان مجاهدین می گشت تا انتقام ارتجاع را از حرکت مترقی تاریخ بگیرد. و سرانجام توانست

بقیه در صفحه ۹

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

پیک رزمندگان

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند»
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.
ولادیمیر ایلیچ لینن

بحث بعد از مرگ شاه!

روزهای گل‌وله و آتش و خون
در آخرین ماه‌های حکومت شاه
را انقلابیون هرگز فراموش
نمی‌کنند. لحظات فروپاشی پا-
یه‌های حکومت یکی از بزرگ‌تر-
بین جلادان تاریخ، و صحنه‌های
پرشکوه جان‌با‌زی زحمتکشانی
که در سنگری به وسعت ایران
سینه‌های خود را تا مج‌گل‌وله-
های سرب‌ی کرده بودند، خاطره-
ای نیست که کسی بتواند آنرا از
یاد ببرد. اما اینک که چند
روز است خبر مرگ آن جنایتکار
خون آشام، قلب‌های پرکینه
خلق ستمدیده ما را التیام
می‌بخشد، و در روزهایی که هجوم
وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی
به آزادی و دستاوردهای قیام
روز به روز بیشتر افزایش
می‌یابد، در میان انبوه وقایع
ماه‌های آخر حکومت شاه خائن
هدف و معنی شعار معروف "بحث
بعد از مرگ شاه" بیش از پیش
روشن می‌شود. بقیه در صفحه ۳۰

حقایق، جلادان رفیق شهید تقی شهرام را رسوا و اتر می‌کند!

در صفحه ۷۰

گرامی باد ۱۴ مرداد سالروز انقلاب مشروطیت!

به دنبال مبارزات دلا-
ورانه خلق قهرمان ایران روز
۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت
صادر شد و طی آن خلق ما که قرن‌ها
زیر یوغ ستم و استعمار شاهان
دیکتاتور و مطلق‌العنان به
سرمی‌برد، دارای مجلس شد.
مجلسی که می‌بایست نماینده
گان خود را در آن بفرستد و از طر-
یق آنان برقوانین و اعمال
دولت نظارت کند.
این مبارزات در پی سال‌ها
ستم و فشاری که فتوای‌ها و حکو-
مت قاجار بر خلق‌های ایران
وارد می‌آورد، قحطی، گرسنگی
و فقر ناشی از آن، ده‌ها سال
نفوذ استعمارگران اروپایی،
تحت تأثیر انقلابات و مبار-
زات خلق‌های سایر کشورها

نبروی عمده مبارزه علیه
امپریالیسم و ارتجاع در آن
زمان دهقانان بودند و کارگر
ان در صدمگی از جمعیت را
تشکیل می‌دادند. روابط حاکم
برجا معه فتوای بود و نیرو-
های انقلاب در آن زمان کار-
گران، دهقانان، صنعتگران و
خرده‌بورژوازی شهری و سرمایه
داران ملی بودند. سرمایه
داران ایران عمدتاً
بازرگانان بودند که از طریق

بقیه در صفحه ۱۴۰

شاه دوباره مُرد!



دیکتاتور مرد! این مر-
گست که برای میلیون‌ها توده
کارگر و زحمتکش و ده‌ها هزار خا-
نواده شهید داده و هزاران زند-
انی سیاسی شکنجه شده در زند-
انهای مخوف رژیم سابق
خوشحال کننده است. کسانی
می‌میرند و دنیا بی‌را می‌ماند و
فرامی‌گیرد و کسی می‌میرد و مر-
دم به رقص و پایکوبی مشغول
می‌شوند!
بقیه در صفحه ۱۲۰

آیا مجاهدین خلق از مبارزه طبقاتی درس می‌گیرند؟!

در صفحه ۱۶۰

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- بالغو قانون سود ویژه: رژیم بار بحران
- اقتصادی را بردوش کارگران می‌اندازد!
- اخبار کارگری
- اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوتاه
- و ...

قانون اختیارات شوراها' تهاجم

جدید حکومت برای

سرکوب شوراهای واقعی

در صفحه ۳۰

● هدف قانون شوراها که به
صورتی رسیده، تبدیل شوراهای
زحمتکشان مبارزه‌کنندگان
بر علیه کارفرمایان و دولتیست.
ما می‌خواهیم به یک ارگان سازش
کارگران به فتح کارفرمایان
است.

بقیه از صفحه ۱۰

بحث بعد از...

آرزوها، در شرایطی که رگبار مسلسلهای آمریکایی میان خلق مازیم شاه خائن حکومت میکرد، در هر کوچه و خیابانی، کمونیستها میکوشیدند تا نظراتشان را با مردم به "بحث" بگذارند. آنها در خالیکه رهبران انقلاب با سازشکار خود شعار "ارتش برای درماست" را میدادند، با مردم در این باره "بحث" میکردند که ارتشی که تاندان مسلح است و دستانش تا مرفق به خون جوانان مآلوده است چگونه میتواند برابر درما باشد؟ آنها این باره "بحث" میکردند که این ارتش آگان سرکوب حکومت سرمایه داران است و تمام فرماندهان آن با دقت انتخاب شده و بوسیله آمریکاییها تعلیم دیده اند، این ارتش نمیتواند برابر ما باشد. کمونیستها همچنین درباره اینکه پس از سرنگونی شاه، منافعی رزمندگان چگونه تامین میشود "بحث" راه میانداختند.

پس از فراز شاه جلاد، باز هم کمونیستها شعار میدادند، "بحث" راه میانداختند و اعتقاد داشتند که "بعد از شاه نو است آمریکا است"... اما در تمام این موارد، همه نمیتوانند بیادیا و رندکده عده ای از ساواکی های حرفه ای، همراه با عده ای حزب الهی آما تور، در خالیکه تمام روز در پان ها پرسه میزدند، هر جا که میمان کمونیستها و مردم این "بحث" ها بالا میگرفت، با داد و فریاد و گاهی هم با اعمال خشونت، خود را وسط می انداختند و عریده میکشیدند و با شعار "بحث بعد از مرگ شاه" جمع را می پاشاندند.

البته وجود این باند های سیاه و دستجات مزدور بعدا بسیار رایج شد و حکومت جمهوری اسلامی که این شیوه سرکوب زبردندان مزه کرده بود، هر جا مبارزه ای به چشم میخورد این مزدوران را به اسم حزب الهی به میدان میفرستاد. رودر روی این حزب الهی ها با هر نوع مبارزه

مردمی چنان آنان را به توده ها شنا سانه است که اینک صحبت از ماهیت اینجور دستجات برای رزمندگان آگاه ما امری بی فایده است.

یادآوری خاطرات آرزوها، بیشتر از این نظر اهمیت دارد که بخش قابل ملاحظه ای از مردم، در آن روزها این شعار عوام فریبانه را باور میکردند و ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر آنرا که تحت پوشش "وحدت طلبی" پنهان شده بود درک نمیکردند. در آن زمان مردم ساده دل، سرنگونی و مرگ شاه را معادل بوجود آمدن حکومتی میدانستند که در آن با آزادی و آزادی و فارغ از ظلم و استثمار زندگی خواهند کرد. آنها که حکومت اسلامی را حکومت خودشان می پنداشتند، باور داشتند که پس از سرنگونی شاه، کمونیستها با آزادی نظراتشان را با مردم در میان خواهند گذاشت و مردم نیز با آزادی قضاوت خواهند کرد!

اما کارگران و رزمندگان ایران، پس از مبارزات طولانی و بدست آوردن تجربیات گرانها، اینک پس از مرگ شادی آفرین آن جنایتکار تاریخ، بخوبی شاهد آن هستند که چگونه شعار "بحث بعد از مرگ شاه" اینک اشکال بسیار تکامل یافته تری بخود گرفته است. اگر آن زمان رهبران حکومت سعی میکردند با عوام فریبی و تحت نام "وحدت کلمه" و با تکیه بر اعتماد مردم در آن زمان جلوی اشاعه نظرات کمونیستها را در میان کارگران و رزمندگان بگیرند، اینک حکومتی که خود را بر خیر مراد سوار می بیند و فریب و نیرنگش نیز دیگر کاری از پیش نمی برد، با وحشیگری، کمونیستها را، انقلابیون

را، کارگران و رزمندگان آگاه را خلاصه کلیه کسانی را که با حکومت حامی نظام سرمایه داری وابسته مبارزه میکنند، دستگیر میکند، شکنجه میدهد و حتی به جوخه اعدام می سپارد.

اینک کسانی چون هادی غفاری و حاج ماشاء الله قصاب (جاسوس سیا که افشاگری ها در مورد او در همه ایران پخش شده است) و... بنمایندگی از طرف حزب جمهوری اسلامی و حکومت برای سرکوب مبارزات توده ها و انقلابیون، سازماندهی کرده و دارو دسته راه انداخته اند. حکومت اینک با به وسیله قانون (نظیر قانون دستگیری فروشندگان مطبوعات انقلابی و کمونیستی) و با بوسیله راه انداختن دارو دسته های چماق دار و قمه کش و هفت تیرکشان و بمب اندازی، به جان نیروهای انقلابی و مبارز افتاده است.

اینک پس از مرگ شاه، مردم به وضوح می بینند که حکومت اگر بتواند، نه تنها اجازه بحث نمیدهد، بلکه نفس کشیدن را هم برای انقلابیون و کمونیستها و کارگران و رزمندگان مبارز ممنوع میکند.

آنها که ادعا میکردند تفتیش عقاید در "جمهوری اسلامی" ممنوع است اینک صدها نفر، معلم، دانشجو، کارگر، و کارمند را فقط به این دلیل که کمونیست یا مجاهد هستند از کار اخراج میکنند.

باندهای سیاه با چماق و شوری انقلاب با قانون و سپاه پاسداران و ارتش مزدور اسلامی با گلوله های آمریکایی، آنچنان بجان کمونیستها و انقلابیون و کارگران و رزمندگان آگاه و مبارز افتاده اند که دیگر جای "بحثی" باقی نمانده است!

رفقا و هواداران!



در تکثیر و پخش هر چه وسیعتر

پیک رزمندگان

بکوشید!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

قانون اختیارات شوراها

تهاجم جدید حکومت برای سرکوب شوراهای واقعی

بعد از قیام بهمن ماه اندیشه ایجاد شورا سرعت در سطح وسیعی میان کارگران کارخانها پا گرفت. در بیشتر کارخانها کارگران دست به ایجاد شورا زدند. اگرچه آنها دید روشن و همه جانبه ای از وظایف شورا نداشتند و اگرچه وظایف شوراها عموماً محدود به مسائل اقتصادی و مبارزه اقتصادی بود، و از محدود یک کارخانه و مبارزه با یک کارفرما خارج نگردید. و اگرچه عوامل کارفرما و رژیم جمهوری اسلامی در بسیازی از شوراها نفوذ کرده و از برتری و خصوصیات انقلابی شوراها کاستند، اما با همه اینها کارگران به شورا به عنوان یک ارگان مبارزه در برابر کارفرما و یا ارگانی که میتواند منافع اقتصادی کارگران را به دست آورد نگاه کرده و میکنند. به همین دلیل شوراها بی که به نفع کارگران کارمیکر دند در طی این مدت خارج چشم کارفرماها و دولت بودند. در اوایل گردانندگان جمهوری اسلامی به شدت با شوراها به مخالفت پرداختند و آنرا غیر قانونی اعلام کردند. ولی وقتی با مقاومت کارگران روبرو گردیدند شیوه مخالفت خودشان را عوض کردند. با شوراها موافقت کردند ولی نه شوراها واقعی و مبارزاتی بلکه شوراها بی که وظایف آن محدود باشد و به منافع کارفرماها و دولت صدمه نزند. شوراها بی که بین منافع کارگران و کارفرمایان به نفع کارفرمایان سازش برقرار نماید کارفرماها و

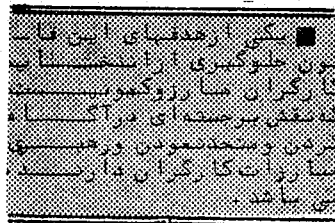
دولت این کار را از دو طریق انجام دادند اول از طریق ایجاد شوراها ی زرد کارفرمایی و نفوذ عمالشان در شوراها و سمپاشی و تبلیغات زهر آگین بر ضد کارگران مبارز و کمونیست برای جلوگیری از انتخاب شدن آنها برای شوراها و دوم محدود کردن وظایف اختیارات شوراها به وسیله قانون. قانون شوراها و حدود اختیارات آنها که به تصویب شورای انقلاب رسیده در جهت تامین همین هدفها یعنی محدود کردن وظایف اختیارات شوراها و تبدیل شوراها از یک ارگان مبارزه کارگران بر علیه کارفرمایان و دولت حامی آنها، به یک ارگان سازش کارگران به نفع کارفرمایان.

ماده ۴ این قانون به خوبی هدفهای رژیم جمهوری اسلامی را از شوراها و وظایف آنها نشان میدهد.

ماده ۴ این قانون میگوید: "شورای اسلامی کارکنان از بین کلیه کارکنان واحدی از کارگران و مدیران انتخاب و به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور، رشد و پرورش استعدادها و بالا بردن آگاهی کارکنان و ایجاد روحیه مشورت، همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خودکفایی اقتصادی و صنعتی و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند."

کاملاً از همین ماده روشن است که گردانندگان جمهوری اسلامی شوراها را یک تشکیلاتی میداند که باید بین کارگران و مدیران همبستگی ایجاد کند و در جهت افزایش تولید و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی فعالیت کند چیزی که مطرح نیست منافع کارگران است.

به این جمله ای که در ماده ۴ آمده است توجه کنیم! در این ماده گفته شده: "شورای اسلامی کارکنان از بین کلیه کارکنان واحدی از کارگران ساده تا مدیران انتخاب میشود."



آخر شورایی که مدیر هم بتوانند نمایندۀ آن باشند چگونه میتواند در خدمت کارگران قرار بگیرد؟ مگر مدیران کارخانه نمایندۀ واحمی منافع کارفرما نیستند؟ مگر در زمان شاه خائن و جمهوری اسلامی در تمامی کارخانهها کارگران در مبارزات حقوق طلبانه خود علیه کارفرماها با مدیران رود رو نبوده و نیستند؟ پس چرا گردانندگان جمهوری اسلامی در قانع شدن شوراها میگویند مدیران هم میتوانند نمایندۀ شورا باشند. دلیل آن روشن است. برای اینکه از نظر آنها شورای کارخانه تشکیلاتی نیست که بتواند علیه کارفرمایان و دولت

حامی آنها مبارزه کند آنها سعی میکنند شورا را احداث در محدوده مبارزات صنفی نگاه دارند و از نظر آنها شورا یک تشکیلات سازشکار است که در درجه اول باید منافع کارفرمایان و رژیم جمهوری اسلامی را تامین و پاسداری کند منافع کارگران را، ببینیم این قانون وظایف شوراها را چه میداند:

"ماده ۵ - الف: ایجاد روحیه همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و مدیران هر واحد به منظور بهبود و پیشرفت سریع امور واحد."

اولین وظیفه شورا از نظر این قانون ایجاد همبستگی بین کارگران و مدیران برای بهبود کارهاست. اما آیا بین کارگران و مدیران همبستگی میتواند وجود داشته باشد؟ مدیران کارخانهها که با خودشان کارفرما هستند و نمایندۀ تمام الاختیار کارفرما و وظیفه شان حفظ منافع کارفرمایان و غارت دسترنج کارگران و سرکوب نمودن آنهاست. مدیران به عنوان بخشی از طبقه سرمایه دار (خصوصی و دولتی) دشمن طبقه کارگر هستند. در مقابل، کارگران باید با مبارزات خود حقشان را از حلقوم کارفرمایان و مدیران بیرون بکشند. آن شورا بی که بخواهد بین کارگران و مدیران یعنی کارفرماها همبستگی ایجاد کند آن شورا نمایندۀ کارگران نیست بلکه نمایندۀ وجیره خوار کارفرماست.

وظیفه شورای واقعی آنست که با آگاه نمودن کارگران، دشمنی کارگران با کارفرمایان دولت حامی آنها را برای کارگران روشن سازد، و نشان دهد بین آنها هیچ وجه مشترک و منافع مشترکی وجود ندارد. وظیفه شورای واقعی اینست که همبستگی و اتحاد کارگران را در مقابل دشمنان خود یعنی کارفرمایان و دولت بیشتر و مستحکم تر کند.

وظیفه بعدی شوراها اینست که این قانون را "ب" به نامشان سطح دانش و آگاهی کارکنان در زمینه های فرهنگی اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و حرفه ای و نظایر آنها.

به ظاهر این وظیفه خلی هم خوب است، و ما هم معتقدیم که شوراها باید سطح دانش و آگاهی کارگران را بالا ببرند. ولی باید توجه کنیم که معنای کلمات از نظر سرمایه داران و گردانندگان جمهوری اسلامی با مفهوم انقلابی و کارگری آن از زمین تا آسمان فرق دارد. وقتی این قانون میگوید شوراها باید آگاهی و دانش سیاسی و اجتماعی کارگران را بالا ببرند، تدبیری شوراها باید آگاهی و دانشی که به نفع سرمایه داران و استثمارگران است را تبلیغ کنند که در واقع یعنی جلوگیری از رشد آگاهی و دانش سیاسی کارگران. فکر میکنید گردانندگان جمهوری اسلامی خواهان بالا بردن آگاهی و دانش سیاسی کارگران هستند؟ صد در صد اینطور نیست. مسلماً اگر شورایی بخواهد برای

بالا بردن دانش سیاسی کارگران، این مقاله بیک روزندگان را برای کارگران بخوانند و در اختیار آنها قرار دهند. مقامات جمهوری اسلامی با هر وسیله و حیلۀ ای چنین شورایی را منحل و نمایندگان آنرا دستگیر و اخراج خواهند نمود. (البته اگر قدرتشان را داشته باشند) چرا؟ برای آنست که این گونه مغاللات و ترفیقاتی مثل بیک روزندگان واجد آگاهی و دانش سیاسی طبقه کارگران است، نه دانش سرمایه داران. و این چیزی نیست که کارفرمایان دولت بخواهند.

طبق این قانون، شوراها باید در هر یک از بخشهای مختلف کارگران، کارگران را به تشکیل و فعالیت در شوراها وادارند.

علت جلوگیری از پیش تشریفات انقلابی و کمونیستی در میان کارگران چیست؟ به چه دلیل کارفرما و عمال و جیره خواران او مثل سگ در محیط کارخانه بومیکشند تا اگر به علامی و نشریه ای انقلابی و کمونیستی برخورد کردند آنرا پاره کنند و با هزاران دوز و کلک و جاسوسی کوشش میکنند پیش کنندگان آن اعلامیه و نشریات را شانسایی و اخراج و دستگیر نمایند؟ چون از آگاه شدن کارگران میترسند. چرا که ادا مه حکومت چپاول گرانه شان در گرو نا آگاهی کارگران است. معلوم است که وقتی قانون به شوراها میگوید وظیفه شان بالا بردن آگاهی و دانش سیاسی و اجتماعی است منظور ش آگاهی و دانش سیاسی و اجتماعی که در خدمت منافع کارگران باشد نیست. بلکه آن

آگاهی و دانش سیاسی است که کارگران را همچنان نا آگاه و متوهم نسبت به منافعی خود و مسائل جامعه نگاه میدارد. و نظام سرمایه داری وابسته را ابدی و طبیعی و برحق جلوه میدهد.

وظیفه سوم شورای نظارت قانون چنین است: "ح. نظارت بر امور و احوال منظور آگاهی را از مورجاری و انجام صحیح کار و ارائه پیشنهادها سازند. تبصره: نحوه نظارت نباید بطوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد."

در این قانون برای شورا حق نظارت قائل شده ولی منظور و هدف آن انجام صحیح کار و دادن پیشنهادها سازنده است. در واقع حق نظارت برای شورا نه در جهت منافع کارگران، و جلوگیری از سودهای کلان و دزدی و رشوه و غیره..... بلکه انجام صحیح کاری یعنی در جهت تولید بیشتر و بهتر است.

نویسندگان این قانون برای اینکه مبادا کارگران از این بند قانون بنبفع خودشان استفاده کنند، بلافاصله یک تبصره آورده و گفته اند: "نحوه نظارت نباید بطوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد." و با این تبصره دست کارفرمایان را باز میگذارد تا از هر گونه نظارت واقعی کارگران و شورای آنها، تحت عنوان اینکه مانع گردش طبیعی کار میگردد جلوگیری نمایند. ما در مقاله ای جداگانه هدف و منظور کارگران و شورای آنها را از نظارت واقعی بر امور

"کارگاه" و کارخانه را شرح خواهیم داد.

وظیفه چهارم: "د. همکاری با مدیریت در تهیه برنامه ها بمنظور پیشبرد امور واحد." وظیفه پنجم: "ه. کوشش برای بالا بردن سطح تولید و دستیابی سریع تر به استقلال واقعی اقتصادی و تحقق خود کفایی."

در این دو وظیفه نیز شوراها بدست کارفرما یا شورش کار مدیریت به خدمت گذاری کارفرما مشغول باشند. در شرایطی که سیستم حاکم بر ایران سرمایه داری وابسته است، در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی خود حامی و حافظ سیستم سرمایه داری وابسته به شوراها میگوید: شما باید در جهت بالا بردن تولید و دستیابی به استقلال اقتصادی کوشش کنید. در واقع منظورش این است که شورا باید هم دست با کارفرما هر چه بیشتر از کارگران کار بکشد و تولید را بیشتر و بیشتر نماید. و جیب کارفرما و دولت را پر کند و شیر جان کارگران را بکشد. تا وقتی نظام سرمایه داری وابسته بر جاست بالا بردن سطح تولید ما را به استقلال واقعی اقتصادی نخواهند رساند. هیئت حاکمه هم نه میخواهد و نه میتواند استقلال اقتصادی ایران را تامین کند.

وظیفه ششم: "و. حفظ حقوق کارکنان که بر طبق قانون تعیین شده است."

وظیفه هفتم: "ز. همکاری کوشش در ایجاد امکانات رفاه

پیش بسوی ایجاد طبقة کارگر!

برای کارکنان در محیط کار و بهبود شرایط کار.

تنها در این دو بند است که قانون برای شورا وظیفه حفظ حقوق کارکنان را در نظر گرفته است. آنهم در واقع شوراها را بر طبق قانون تبدیل به نگهبانهای قانونهای سرمایه داری کرده است. وقتی دولت مبلغ ۶۸ ریال (۱۲٪) اضافه حقوق را برای کارگران تصویب میکند، شورا باید در همین ۶۸ ریال (۱۲٪) کوشش کند؟ و کاری به این نداشته باشد که در همین یکسال قیمتها حداقل ۶۰٪ یا ۷۰٪ اضافه شده است، و کمترین کارگران زیر بار گرانی و کمبود خم شده به شورا مربوط نیست. از نظر قانون شورا باید در حداقلی یعنی در حداقلی است. کارگران، سرمایه داران و کارفرمایان کوشش کنند و نه بیشتر.

اینها بودند وظایف شوراها از نظر قانون جمهوری اسلامی. وظایفی که شورا را از یک سازمان مبارزه کارگران تبدیل به یک سازمان همدست کارفرما و یک سازمان سازش دهنده منافع کارگران با کارفرمایان و صد البته به نفع کارفرمایان میکند.

در بخش شرایط انتخاب شوندگان این قانون هم با محدودیتهایی سعی دارند جلوی انتخاب نمایندگان آگاه و انقلابی و کمونیست را بگیرند. یکی از شرایط انتخاب شوندگان چنین است: "مومن به انقلاب اسلامی و میانی جمهوری اسلامی ایران" مسلم است که تئوریهای

انقلابی و کمونیست هیچ اعتقادی به رژیم جمهوری اسلامی ندارند چرا که رژیم حاکم یک رژیم ضد انقلابی و ضد مردمی است، و حافظ نظام سرمایه داری است.

کمونیستها که برای نابودی نظام سرمایه داری مبارزه میکنند مسلم است که به چنین رژیمی معتقد نیستند. حال حامیان رژیم سرمایه داری وابسته در قانوشان میخواهند با این شرط از نماینده شدن کارگران انقلابی و کمونیست جلوگیری کنند. چرا که سرمایه داران و دولت به خوبی میدانند که کارگران انقلابی و کمونیست هیچگاه به منافع طبقه کارگر خیانت و با سرمایه داران سازش نمیکنند. چرا که بخوبی میدانند کارگران انقلابی و کمونیست همیشه در جهت آگاه نمودن کارگران و متشکل کردن آنها میکوشند. به همین دلیل سعی میکنند به هر ترتیبی هست از انتخاب شدن این گونه کارگران جلوگیری کنند. محدودیست دیگری نیست که در این قانون برای انتخاب شدن شرط زیر گذاشته است:

"داشتن حداقل دو سال سابقه کار متوالی قبیل از انتخاب در همان واحد"

اگر در هر کارخانه ای دقت کنیم میبینیم که تعداد کسانی که کمتر از دو سال سابقه دارند خیلی زیاد است. با این شرط در واقع تعداد زیادی از کارگران که در میان آنها مسلمانان کارگران آگاه و انقلابی هم زیاد است از حق انتخاب شدن محروم میشوند. در واقع این قانون میخواهد دایره انتخاب

شدن نمایندگان آگاه و انقلابی را هر چه بیشتر محدود کند.

در ماده ۸ و ۹ این قانون شرکت نماینده شورا در هیئت مدیره را مطرح میکند که در واقع ادامه تائید هدفهای نویسندگان این قانون یعنی تبدیل شورا به یک تشکیلاتی در خدمت کارفرما است. مادر مقاله دیگر نظرات خود را در این زمینه خواهیم گفت.

ماده ۱۰، ۱۱ و ۱۲ این قانون مربوط به "هیئت نظارت بر امور شوراهاست" که عبارت است از دو نماینده کارفرما و دو نماینده شوراها. اسلامی و یک نماینده دولت (اداره کار) که ریاست هیئت هم به عهده نماینده دولت (اداره کار) است.

با توجه به اینکه نماینده دولت یعنی نماینده اداره کار چه در زمان شاه خائن و چه در زمان جمهوری اسلامی همواره به نفع کارفرمایان عمل میکند، مشخص است که نمایندگان شوراها در اقلیت قرار خواهند گرفت. تازه این در صورتی است که نمایندگان شوراها در این هیئت واقعاً نماینده کارگران باشند.

مادیده ایم که کارفرمایان و دولت سعی کرده و میکنند که نمایندگان کارگران هم از شوراها و نمایندگان دست نشانده خودشان باشند و مثل خائنین چون ربیعی نماینده شورای غذا کارگری جنبه رال مؤثر ز که عنصر غذا کارگر و جیره خوار کارفرما و دولت و حزب جمهوری اسلامی است.

ماده ۱۴ این قانون "تشکیل شوراها را در شرکتها دولتی بزرگ از قبیل شرکتها ی تابعه وزارت نفت شرکت ملی فولاد ایران و ... را وابسته به تصویب "هیئت وزیران" کرده است.

یعنی حتی تشکیل چنین شوراها یی با این چنین وظایفی را در واحدهای بزرگ با زیاده دولت تصویب کند.

ماده ۱۵ و ۱۶ این قانون وظیفه انجام صحیح انتخابات و نظارت بر کار شوراها و ایجاد تشکیلات و انحلال آنها را به وزارت کار میدهد. همان وزارت کار که برای اکثریت کارگر میهن ما ماهیت ضد کارگری روشن است.

همانطور که در ابتدا گفت هدف این قانون اینست که شوراها را از محتوای انقلاب و کارگری خالی کند و آنها را یک سازمان کارگری که علی کارفرمایان و دولت حامی آنها مبارزه میکنند به یک سازمان سازشکار و عصابی تبدیل نماید. در واقع بر طبق این قانون شوراها باید نقیض وظیفه ای را که سندیکای فرمایشی دوران شاه خائن به عهده داشتند، انجام دهند. مسلم است که طبقه کارگر ایران زیر بار چنین شوراها یی چنین خصوصیات نخا و هدر ف و سازمانهای مبارزاتی خود را هر روز بیش از پیش استحکام خواهد بخشید. مادر مقاله دیگر وظایف شوراها ی واقع و سایر مسائل مربوط به آن شرح خواهیم داد.

ممنوعیت انتشار نشریات کمونیستی نشانه ترس حکومت است!



■ روز دوشنبه ۲۳ تیر عده -

ای مزدور حکومتی و حزب الهی به امداد پزشکی مجاهدین در دروازه غار حمله میکنند! جوانان مبارز خیابان غار، هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر طبقی اعلامیه ای این عمل ضد مردمی را محکوم کرده اند. در زیر بخشی از اعلامیه مذبور را می آوریم: "... ما جوانان مبارز خیابان غار طرفدار سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، این حرکت ضد مردمی عده ای حزب الهی را محکوم میکنیم، و در مقابل یورشهای ضد مردمی و اخلاگران آنها ایستادگی مینمائیم.

■ امداد پزشکی مجاهدین که برای درمان زحمتکشان خیابان غار تشکیل شده در میان آنها نفوذی بادی دارد و همین نفوذ، هیئت خاکمه و وابستگیش را به وحشت انداخته است. این امداد حتی بصورت مجانی زحمتکشان منطقه را درمان میکرد و به درمان آنان میرسید. این حمله ضد مردمی حزب الهی ها جدا از سیاستهای سرکوب و کشتار رژیم جمهوری اسلامی در مقابل مبارزات کارگران و خلقهای کشور ما (بخصوص خلق کرد و ترکمن) نیست. هیئت خاکمه ای که سنگ "دفاع از مستضعفان" را به سینه میزند چرا از کشتار اینگونه امدادهای پزشکی جلو گیری میکند؟ چرا خلق کرد را سرکوب میکند؟ چرا دانشجویان انقلابی را به بهانه انقلاب فرهنگی کشتار میکند؟ و...."

■ در صنایع نظامی سلطنت آریا دهر هفته از طرف حزب جمهوری اسلامی سخنرانی گذاشته میشود. در این سخنرانی همیشه حداکثر بیش از ۱۵۰ هزار کنان شرکت نمی کردند. اما به تازگی اعلام کرده اند که از این پس شرکت در جلسات سخنرانی برای همه اجباری است و هر کس در جلسه حاضر نشود، غیبت محسوب خواهد شد و سروکارش با انجمن اسلامی است. این مطلب در سخنرانی "باهر" توضیح داده شد.

■ به افراد ستاد بسیج ملی کارتی داده شده است که در هر کجا کسی را در حال پخش اعلامیه دیدند، میتوانند آنها را دستگیر کنند.

■ در شرف تعطیل است و نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه رشتی (نخ ریشی) که ۱۵ کارگرداشته نیز اخراج شده اند.

■ در کارخانه لیفت تراک سازی تبریز کارگران برای مقابله با اخراج، صندوق مقابله با اخراج تشکیل داده و از هر

زحمتکشان خانی آباد برای چندمین بار است که نسبت به وضع خراب آب و برق تظاهرات و راهپیمایی میکنند.

■ - روز دوشنبه ۲۹ تیر ساعت ۱۰ صبح حدود دوهزار نفر از اهالی قرچک جلوی شهرداری قرچک جمع شدند. خواست آنان تامین آب و مشکل دوده کوره ها بود که مردم محل را شدیداً آذیت و بهانوا ع بیماریها مبتلا میسازد. مردم شعار میدادند "مرگ بر شهر دار و مزدورانش" و شهرداران ترس فرار کرده بود!

■ انتشارات "در راه حق" قم صندوق پستی شماره ۵، برای بعضی از اعضای بسیار نزدیک



خود نامه ای بطور مختصر فرستاده و از آنان درخواست میکند به فعالیت در جهت شناسایی کمی نیست ها بپردازند!

■ کارگران شرکت برق اتم آرکیش شیرگاه، از روز ۲۱ تیر دست به اعتصاب زدند و رئیس شرکت و سرپرست آنها به ثروگان گرفتند. ۳ ماه پیش کارگران این شرکت برای ۳ خواست، افزایش دستمزد، بیمه و استخدام کارگران پیمانی دست به اعتصاب زده بودند که به خواستهای آنان جوابی داده نشد. کارگران دوباره با همان خواسته ها از ۲ هفته پیش دست به اعتصاب زده اند که هنوز به خواستهایشان رسیدگی نشده است. کارگران تا ۳۰ تیر شروع بکار نکردند.

کارگری سهم میگیرند. کارگران از این عمل استقبال کرده اند.

■ از تاریخ ۲۶ تیر مه کودک سازمان مرکزی تامین اجتماعی تعطیل شد و گویا طی یک بخشنامه دولت به تمامی وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی دستور تعطیل مه کودک را داده است. تا از این طریق زنان کارمند را مجبور به استعفا کند.

■ - روز پنجشنبه ۲۶ تیر، ۳۰۰۰ نفر از اهالی خانی آباد به منظور اعتراض به قطع برق که چند روز پیش ادا شده به طرف "برق منطقه ای ژاله" حرکت کردند. در محل برق ژاله مقامات با قول و وعده مردم را پراکنده میکنند.

■ عمل ضد انقلابی اخیر اج کارگران مبارز و آگاه که سرآغاز سرکوب مبارزات هر چه آشکارتر کارگران است. در من کارخانه های مل را هم گرفته است. این اخراج در بعضی کارخانه ها مانند جین مُد با مقاومت کارگران روبرو شده است. و در بعضی جاها مثل کوره پزخانه ممتاز که بعد از قیام دولتی شده بود، کارگران مبارز و انقلابی علیه آن دست به افشگری زده اند. در کارخانه جین مُد ۴ نفر و در کوره پزخانه ممتاز ۲ نفر و از کارخانه الکتروالکتریک ۱۱ نفر اخراج شده اند.

بعلاوه کارخانه بلوچین آمل که کارگران آن ۱۰ ماه است حقوق دریافت نکرده اند



اخبار کارگری

دادسرای انقلاب اسلامی
خوزستان بایک اطلاعیه شورای
کارکنان صنایع نفت اهواز
را منحل و باین عمل، رای
ده ها هزار کارگر و کارمند صنعت
نفت را باطل کرد. دادسرای
انقلاب اسلامی خوزستان باین
این اطلاعیه دشمنی خود را باین
خواست توده ها، با خواست
کارگران و کارمندان صنعت
نفت آشکارا نشان داد.

از سوی دادستان انقلاب اسلامی خوزستان شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز، منحل شد

اهواز - شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنایع نفت اهواز منحل شد. دادستان انقلاب اسلامی خوزستان باین اطلاعیه دشمنی خود را باین خواست توده ها، با خواست کارگران و کارمندان صنعت نفت آشکارا نشان داد.

گزارشی از:

مبارزات کارگران قهرمان کارخانه البرز

به دنبال مبارزات قهرمانانه کارگران البرز برای اخراج مدیر دولتی ضدکارگران و پیروزی کارگران در آخر
اج گودرزی نماینده دولت در خرداد سال کارگران، کارخانه
نه را به اشغال خود درآورده و اداره کارخانه را در دست میگیرند.
جریان اشغال کارخانه و اخراج کارگران را در گزارشی
دیگر خواهیم داد. بعد از یک هفته اشغال کارخانه، هیئت
مدیره یا ردیگر تولى در دست گرفته و مجدداً شورا و هیئت
مدیره بر سر دستمزدها و میزان قدرت و اختیارات شورا درگیری
شوند. شورا به کمک کارگران آگاه و مبارزان اساسنامه ای
مترقی تهیه میکنند که مورد قبول مدیریت قرار گرفته و به
استعفاء شورا در روز ۲۶ تیر منجر میگردد. اما این بار کارگران
مجدداً در پشت سر شورای خود سیخ میشوند و روز ۲۷ تیر
شعار "شورا، شورا حمایت میکنیم" کارگران، فضای کارخانه
را به لرزه در می آورند. پشتیبانی کارگران از شورا، کارگران را به عقب نشینی وادار میکند و مذاکره میان هیئت مدیره
دولتی (قنبری و دولتشاهی) با شورا جریان می یابد. در جریان
این مذاکره یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره برای سرکوب
کارگران و تفرقه در میان آنان و جدا کردن کارگران آگاه
و مبارزان دیگر کارگران روز ۲۹ تیر حکم اخراج ۵ تن از
آنها را صادر میکند. کارگران و شورا به حمایت فعال از آنان
بر می خیزند و مانع اخراج این ۵ کارگر مبارز شده و باین
اتحاد دو یکپارچگی، آنها را به داخل کارخانه می آورند.
مدیر دولتی و هیئت مدیره که تمامی حیلها و اعمال
ضد کارگری خود را نقش بر آب می یابد، به آخرین حربه یعنی
سرکوب آشکارا متوسل شده و روز ۳۱ تیر پاسداران را برای
جلوگیری از ورود این ۵ کارگر مبارز به جلور کارخانه می
آورد. عده ای از کارگران در ابتدای ورود با تعجب به
پاسداران می نگرند و از کارگران مبارز می پرسند: "مگر شما
کسی را کشته اید"، "ما نمی گذاریم شما را ببرند." در پی
درگیری کارگران و پاسداران، ۵ کارگر اخراجی دستگیر
میشوند و آنها را به کمیته میبرند. کارگران تصمیم به حمایت
فعال اعتصاب میگیرند و شورا به این انرژی و قدرت
انقلابی کارگران توجه نکرده و در جهت آزاد کردن کارگر
ان از راه های قانونی تلاش میکند. در این میان ۲ تن از
کارگران را آزاد میکنند و ۳ تن دیگر را برای بازجویی نگه میدارند.

روز اول مرداد این دو کارگر به سرکار می آیند و کارگران
با شور و اشتیاق از بازگشت آنها استقبال میکنند اما هیئت
مدیره با زهم به نیروی حامی خود یعنی پاسداران متوسل
شده و دوباره این دوتن دستگیر میشوند. این جریان بار
دیگر تکرار میشود و این بار پاسداران با تیراندازی هوایی
داخلت کرده و بازگزارى سخنرانی و با تهدید و افترا علیه
کمونست ها سعی میکنند که میان کارگران تفرقه بیندازند.
روز ۵ تیر هیئت مدیره کارخانه را تعطیل میکند. سرو
پس ها دنبال کارگران نمی آیند و تنها نیمی از کارگران
با وسایل نقلیه دیگر خود را به کارخانه می رسانند. پاسداران
و آن در جلور کارخانه جمع شده و در پی دستگیری کارگران میا
زور می آیند.

مبارزات توده ها، کارگر
ان و زحمتکشان به چنان شدتی
رسیده است که دیگر نمیتوان
آنها را باینه سادگى
فریب داد و دیگر نمیتوان با
شعارهایی نظیر "با یه صبر
انقلابی داشت"، "فعلاً در حال
مبارزه با آمریکا هستیم"
"ما برای نان مبارزه نکردیم
بلکه مبارزه ما برای اسلام
بود"، توده ها را فریب داد.
اینک زمانی فرا رسیده است که
هیات حاکمه باید به سرکوب
آشکارا روی آورد. سرکوب
آشکارا یعنی اخراج کارگران
انقلابی و مبارزان، سرکوب آشکارا
یعنی تعطیل کارخانجات و
اخراج صدها کارگر و کارمند،
سرکوب آشکارا یعنی تعطیل
شورای صنعت نفت به بهانه
"دخالت های ناجای شورا"
مدیریت، هرگونه تجمع
تجدید انتخابات را به دستور خو
موکول میکند و "اداره حراست
صنعت نفت" را، که جایگزین
اداره حفاظت و ساواک کارخانه
نجات زمان شاه خائن شده است
موظف میکند که کارکنان را در
صورت تخطی از این امر "تحد
پیگرد قانونی" قرار دهد
این اطلاعیه در حالی صادر شد
است که کارگران صنعت نفت
مدتهاست با مبارزه پیگیر خو
در خواست های متعددی از جمله
برکناری معین فروزیرنفت

ویژه کارگران منتشر شد: (۲۰۱)



سرکوب آشکارا یعنی انحلال
دهها اتحادیه و شورای واقعی
و تصویب قوانین ارتجاعی
برای قانونی کردن سرکوب
شوراها.
رژیم جمهوری اسلامی
دیگر نمیتواند بر پایه توهم
توده ها حکومت کند، کارگران
و زحمتکشان ۱۸ ماه تجربه مبارزه
تاما می خلقهای ایران را به
وش میکشند تعداد بسیاری از
آنها دیگر به ما هیت جمهور
اسلامی پی برده اند و از این سر
حفظ حکومت از این پس اساس
درگرو صدور دستورهای است
نا آگاه ترین توده ها را نیز
رودر رویی منافعشان با هیا
حاکمه آشنا میکند. دادستان
انقلاب در این اعلامیه به بهانه
"دخالت های ناجای شورا"
مدیریت، هرگونه تجمع
تجدید انتخابات را به دستور خو
موکول میکند و "اداره حراست
صنعت نفت" را، که جایگزین
اداره حفاظت و ساواک کارخانه
نجات زمان شاه خائن شده است
موظف میکند که کارکنان را در
صورت تخطی از این امر "تحد
پیگرد قانونی" قرار دهد
این اطلاعیه در حالی صادر شد
است که کارگران صنعت نفت
مدتهاست با مبارزه پیگیر خو
در خواست های متعددی از جمله
برکناری معین فروزیرنفت
بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱۰

شاه دوباره...



اما دیکتاتور خون آشام، دوبار مرد و دوبار مرد در خیابانها به شادمانی پرداختند. یکبار در دیماه ۵۷ زمانی که وجود کشفش از خاک میهن زحمتکشان با خرابی و خفت خارج شد. و یکبار، در ۵ مرداد ۵۹، که حیات زانو وارش در بیمارستانی در مصر، و تحت نظارت پزشکان آمریکایی به پایان رسید.

محمدرضا خائن، کسی که میلیاردها تومان از اموال خلق را به غارت برد، کسی که در سالهای سیاه حکومتش چیزی جز جناحیست، خیانت و سرسپردگی به امپریالیسم از خود نشان نداد در حالی زندگی تنگینش به پایان رسید که خلق آگاه و هوشیار، مدت ها بود شعاع استرداد شاه خائن را در زمهره شعارهای خویش قرار داده بود و قصد داشت با محاکمه انقلابی

او، سزای اعمال ضد خلقی اش را کف دستش بگذارد. در چند ماه گذشته که شعار استرداد شاه خائن و اموال به یغما رفته خلق، بوسیله مردم بارها و بارها تکرار میشد، هیأت حاکمه سعی داشت با سوء استفاده ضد انقلابی از این شعار، مبارزات ضد امپریالیستی را در همین شعار خلاصه

ای توده ها به حکومتی در خارج از مرزها، و به این یا آن عمل آمریکا محدود نمیشود، امپریالیسم حضور خود را در سیستم سرمایه داری و وابسته نشان میدهد، اما هیأت حاکمه سعی میکرد تا با طرح مساله غرامت و بازگرداندن شاه، در ضمن اینکه خود را ضد امپریالیست نشان می دهد، با سرکوب مبارزات توده ها که در جهت نابودی سیستم سرمایه داری وابسته است از مبارزه واقعی ضد امپریالیستی که موجودیت خودش را هم به خطر می انداخت جلوگیری کند.

... دیکتاتور خون آشام، دوبار مرد و دوبار مرد در خیابانها به شادمانی پرداختند. یکبار در دیماه ۵۷ زمانی که وجود کشفش از خاک میهن زحمتکشان با خرابی و خفت خارج شد و یکبار در ۵ مرداد ۵۹، که حیات زانو وارش در بیمارستانی در مصر و تحت نظارت پزشکان آمریکایی به پایان رسید.

کند و مبارزات خلق قهرمان ایران را در جهت قطع نفوذ امپریالیسم و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به دعویایی بر سر شاه و اموال غارت شده اش محدود سازد. در واقع، امپریالیسم

خلق ما نیز دارای هلی به یغما رفته اش را از شاه جلا دو خانوادگی تکرار می خواهد، خلق ما حاضر نیست گروگان های آمریکایی، این جاسوسان و عمال امپریالیسم را بدون محاکمه انقلابی و رسیدن

به سزای اعمالشان آزاد کنند. اما برای کارگران و زحمتکشان توده ها، مبارزات ضد امپریالیستی در اینها خلاصه نمیشود. برای توده ها، مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست.

اینک که شاه مرده است، هم آمریکا و هم هیأت حاکمه، از دست این استخوان گلوگیر راحت شده و زمینه را برای پایان دادن به بحران روابط خود را برای گروگان گیری فراهم میکنند. درحالی که توده ها، با مردن شاه، دست از مبارزات ضد امپریالیستی خویش برندارند و داشت و هیچ امتیاز و غرامتی نمیتوانند عزم راسخ کارگران و زحمتکشان ما را در نابودی وابستگی، یعنی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته، دچار رستی و خلل کند. آنها همانطور که رفتن شاه از کشور، به پایان دادن مبارزاتشان بر علیه رژیم منجر نشد، اینک نیز با شناخت هر چه بیشتر از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، به مبارزات خویش تاننا بودی نظام سرمایه داری وابسته ادامه خواهند داد.

بقیه از صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۱ — گزاشی از ...

اگر دیروز توده های نا

آگاه نیز از تمامی اقدامات حکومت پشتیبانی میکردند. امروز تنها حامیان فعال حکومت، مرتجعین و مزدوران نژادیک به حکومت می باشند. کسانی که ما هیتشان و پایگاه طبقاتی شان روز به روز بیشتر برای مردم شناخته شده است، اما کارگران مبارز شرکت نفت، و همه کارگران ایران، شوراها و اتحادیه های واقعی خود را که دستاورد مبارزات چندین ساله و قیام خونین بهمن ماه است با تمام قدرت پاسبان میدانند و توطئه های رژیم را رسوا و بی اثر می سازند.

و عضو شورای انقلاب را داشته اند این عمل به روشن ترین صورت ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. دادستانی انقلاب خوزستان، این عامل کشتار شهید دکتر نریمی سا، مهدی علوی شوشتری، منوچهر جعفری، احمد مودن، مسعود انیالی و دهها کمونیست مبارز و انقلابی دیگر اکنون به سرکوب آشکار کارگران و زحمتکشان روی آورده و حامی این سرکوب تیغز تنها و تنها "روحانیت مبارز" اهواز است.

اعضای شورا در مقابل این عمل به دنبال راه های قانونی بوده و به کارگران میگویند که در صورت تعطیل کارخانه به وزارت صنایع و معادن مراجعه کنید. که به ما پاسخی ندادند. کارگران در مقابل در بسته کارخانه و علت عدم برخورد قاطع و انقلابی شورا دستگیر شدند. ۵ نفر از کارگران را که ۳ نفر از آنها عضو شورا بودند، دستگیر میکنند. روز بعد ۲ نفر از دستگیرشدگان آزاد، یک نفر به عمارت زندان حکومت و دو تن دیگر از آنان در کمیته مرکزی وزیر بازرگانی به سر میزنند.

هیئت مدیره بعد از این اجراها و دستگیری ها کارخانه را دوباره باز کرده است. اما اکثریت کارگران خواهان بازگشت شورای کارخانه هستند و رضایتی کارگران از کمی دستمزد نیز همچنان به قوت خود باقی است. در روزهای اخیر (بعد از ۵ مرداد) مبارزات کارگران برای آزاد شدن و بازگشت همزمانی نشان به سرکار به راههای مختلف ادامه دارد. تعدادی از کارگران به اتاق قنبری رفته و خواستار بازگشت از دست کارگران به سرکار خود شده و جلسه سخنرانی قنبری را بر هم زدند. اینک مبارزه در کارخانه تهرانی علی رغم اینکه هنوز متحدانه و یکپارچه نشده است، ادامه دارد و نوبت بخش مبارزات متشکل و یکپارچه کارگران مبارز البرز در آینه ای نزدیک است.

بالغوا قانون سود ویژه:

رژیم بار بحرانی اقتصادی را
بردوش کارگران می اندازد!

حمله و هجوم عمده حاکم رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران همچنان ادامه دارد. بعد از تصویب ماده حقوق ۸۰ ساله لی ای سال، موج اخراج مداوم از کارگاه های تولیدی و صنایع و خدماتی و دیگر رگ های شور آه، هیئت ها که با "سود ویژه" کارگران را بکلی ردیگر با هیت ضد کارگری خود را نشان داد، در شرایطی که با راه های بحران اقتصادی حاکم رژیم در کارگران میهن مانکنی میکند، در شرایطی که کارگران را سرسام آورده و کارگران را، کم کاران و زحمتکشان را، محروم کرده است، در چنین شرایطی حکومت دستورها و مزایای کثونی کارگران را نیز بکلی منسوخ و متکاوی رفع سازهای اولیه طبقه کارگران نمیکند که حش میدهد.

اگرچه رژیم شاه از قانون سیم کردن کارگران در سود ویژه هدفهای ضد کارگر خالصی را دنبال میکرد، ولی همیشه گاه نتوانست به هدفهای خود برسد. کارگران همواره بودند و به بخش از حقوق مسلم خود میدادند و میدادند در زمان شاه و همینطور جمهوری اسلامی، بسیاری از اعتصابات و مبارزات کارگران بر سر مسئله سود ویژه و میزان آن بوده است. رژیم جمهوری اسلامی با این کار خود ساری اقدامات ضد کارگری دیگر نشان میدهد که به تنهایی در جهت منافع کارگران و زحمتکشان بر نمی دارد بلکه تمام عملکردها بین کارگران و زحمتکشان نیست. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد با میلیونها تومان هزینه های سنگین نگهداری ارتش و پاسدا - زان و تجهیزات آنها از قبیل توپ و تانک را که در جنگ کردستان بر علیه خلق کردیها میبرد، بردوش کارگران بیندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد هزینه نگهداری هزاران پاسدا را که در سراسر ایران کاری جز سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی ندارند، به دوش کارگران بیندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد میلیونها تومان بیادانی را که بابت جنایات ارتش و پاسدا را بر سر آنها خیدد، بردوش کارگران بیندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد هزینه میلیونها تومان پولی را که از بودجه مملکت صرف کارهای تبلیغاتی مختلف حکومت، حقوق و مزایای مدیران و سایر مفت خورانش میشود به دوش کارگران بیندازد.

رژیم جمهوری اسلامی میخواهد عوارض بحران اقتصادی حاکم را که ناشی از سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته و سیاستهای ضد انقلابی حکومت است به قیمت فقر و کارهای دستمزد و مزایای کارگران جبران سازد. و چرخهای زشت زده مظالم سرمایه داری وابسته را با تحت فشار قرار دادن کارگران و محرومیت هر چه بیشتر آنها به راه اندازد. و شرایطی برای سرمایه داران و بازاریان چپاول گرو مفت خور فراهم کند که با غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان و گران کردن هر چه بیشتر کارها، سرمایه های هر چه بیشتری انباشته سازند و با سرمایه گذاری مجدد آن با زهم به چپاول گری ادامه دهند.

کارگران مبارز و آگاه! بحران اقتصادی سیاسی کنونی ما را که ناشی از حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته است، رژیم جمهوری اسلامی که با تمام نیرو در جهت حفظ این سیستم کوشش میکند سعی دارد با راهزینیهای این بحران را به دوش کارگران و سایر زحمتکشان بیندازد. کارگران چاره ای جز مبارزه ندارند. برای مبارزه با پادشاه و متحدانش.

با مبارزه متحدانه خود جلوتهاجم رژیم را برای کاهش دستمزد و دیگر مزایای کارگران بگیریم.



به یاد رفقای انقلابی:

عقی شهرام
دکتر سرسبز
مهدی علوی خوشنوی
احمد موذن
مسعود دما سیانی
منوچهر جعفری
اسفندیار رفیعیانی
فرامرز حمید
میرزا رحیمی (کاک فاش)
کدخدایان ایرانی کارگران
وزحمتکشان خون سرخشان
دست خدایان رژیم جمهوری
اسلامی نورسین و سید

ای مرده جنان عیام نموده ها!
ای پاسداران جدید سرمایه!
ای شک و نفرت سر هرجاتحان!
اعدا مان کنید! (با حکم)
بیدا دکاه خدا انقلاب!
تیرباران مان کنید!
ویرشان کنید کلیوته های خونمان
بردیوار و بر در زدن اهواز،
واوین،
و آبادان...!
کلکون کنید خاک مزارع و سنگفرش
خیابان
در سراسر ایران!
از خون سرخمان دریغ نخواهیم کرد!
وازیای نخواهیم نشست!
تاریخ را کواه: که ما کمونیست ها
از پای نخواهیم نشست!
ما از سنگر هر کارخانه،
از کوچه های "سپور آباد"،
از قعر گودهای "دروازه غار"،
بر علیه تان خواهیم جنگید!
وازیای نخواهیم نشست!

توسط هواداران سازمان منتشر می شود:

رزمندگان بلوچستان

سال اول - شماره ۵۹/۱۸ - شماره ۵

هفته هجدهم

مآبان رزمندگان بلوچستان

سیستان و بلوچستان

چرا در بلوچستان، هر

تصفیه ادارات

پاسداران دست در ده

شرماندهان آمریکایی

از زبان زحمتکشان

فرنگیان مبارز

بقیه از صفحه ۱۵

ایام جاهدین...

تی باز هم ادا مه همان سیا
سته‌ای مماشات جویانه وسا -
زشکارانه و چشم دوختن به
ضدا انقلاب و پشت کردن به
انقلاب نیست ؟

بقیه از صفحه ۱۶

اخبار کردستان...

■ - در پی سیاستهای
سازشکارانه دموکراتها مبنی
بر حمایت از ملاکین و بورژواها،
زارعین و زحمتکشان سدروستا
آنها را از روستاهای خود بیرون
کرده اند ●

است که با روشن کردن ما -
هیت هر دو ضدا انقلاب، هم کودتا
چنان که عمال مستقیم
امپریالیسم هستند و هم حکومت
جمهوری اسلامی را، که جاده
صاف کن استقرار و سلطه کامل
و مجددا امپریالیسم وزمینیه
ساز کودتای امپریالیستی
است، افشاء کرده و راه حل و
برنامه خود و چگونگی رسیدن
به آن را به توده ها نشان
دهند. آیا عدم فعالیت
وسیع و گسترده و تنها جمعی
از مان مجاهدین در چنین
شرایطی از ردمبارزه طبقات -

بمب گذاری ضد انقلاب،
بهانه رژیم برای دستگیری انقلابیون

امپریالیسم آمریکا و دارودسته ضدا انقلابی بختیار خائن
به کمک مزدوران ساواکی، پس مانده عمال رژیم شاه و مزدور
وران بعث عراق برای بدست آوردن بهشت از دست رفتگی
شان به هرگونه اقدامات ضد مردمی دست میزنند. از جمله
بمب گذاری و کشتار مردم زحمتکش میهن ما .
در هفته گذشته باز هم تعدادی از هموطنان ما در اهواز
با بمب گذاری عنا صرمزدوران امپریالیسم و بختیار زورزیسم
جنایتکار عراق کشته و مجروح شده اند. اگرچه ما و سایر نیرو -
های انقلابی و کمونیست بارها و بارها عمل بمب گذاری را
محکوم کرده ایم، اما رژیم جمهوری اسلامی بی شرمانه
سعی کرده و میکند که این گونه اعمال را به نیروهای انقلابی
و کمونیست نسبت دهد. اگرچه تاکنون این تلاش آنها بی
نتیجه مانده است ولی هنوز هم گردانندگان رژیم از این
عمل خود دست برنمی دارند. تازه ترین آنها خبری است که در
روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است. در این خبر بطرز بیربط
مانه ای سعی شده و جوان مبارز که برای آگاهی دادن به
مردم اعلامیه سازمان رزمندگان آزادی طبقاتی را پخش
میکرده اند و به وسیله پاسداران رژیم دستگیر شده اند، بمب
انداز معرفی نمایند.
ما این گونه توطئه های ضدا انقلابی گردانندگان رژیم
را که برای بدنام کردن نیروهای انقلابی و کمونیست چیده
میشود، شدیداً محکوم نموده و خواهان آزادی بی قید و شرط
مبارز دستگیر شده می باشیم.

مرگ بر امپریالیسم و دارودسته بختیار خائن!
هر چه رسوا تر باشد توطئه های ارتجاعی!

گرامی باد ۱۴ مرداد سالروز...

بقیه از صفحه ۱۰

خرید و فروش کالا سود بدست می آوردند.
اینان فتودالیم را در راه منافع خود و گسترش سرمایه
هایشان مانعی نمیدیدند.
سراجام در پی مبارزات توده ها مظفرالدین شاه مجبور
به امضای مشروطیت شد. اگرچه این فرمان امضاء شد،
اما هنوز نیروی کاغذی بود و از جاع حاکم حاضر نبود به مفاد
آن عمل کند. قانون مشروطه اگرچه میخواست به توده ها آزادی هایی
که تا آن زمان نداشتند بدهد ولی قانونی بود که نمیتوانست
حاجی منافع توده ها باشد. انقلاب مشروطه به پیروزی نرسید
و قانونی که بدست آمد در واقع مشروطیتی بود که حاکمیت
ارتجاع و وابستگی به روس و انگلیس را حفظ میکرد این نمی
وانست مورد قبول و تأیید مردم باشد. از اینرو انقلاب ادامه یافت
و توده ها به مبارزه خود ادامه دادند. درشت، تیریز، مشهد و اصفهان
و بسیاری شهرها مبارزه جریان یافت. در بسیاری مناطق
توده ها آستین ها را بالا زده و اموال فتودالها را مصادره
کرده و بین خود تقسیم کردند، کارگران پاخانهای تهران
- اولین مراکز صنعتی ایران - دست به اعتصاب زدند و اولین
پایه گذاری کردند.

مبارزه توده ها ادامه یافت اما این مبارزه فاقد رهبری
و اخذ در بسیاری نقاط فاقد رهبران انقلابی بود، بجز تبر -
یز و تاحی رشت، رهبری مبارزات انقلابی توده ها را فتو -
دالها و سرمایه داران بزرگ در دست داشتند کسانی که به
راحتی به سازش با حکومت نشستند، تنها رهبران توده ها
در تبریز کسانی چون ستارخان و باقرخان و انقلابیونی چون
حیدر و علی و علی مسیوم مردم را مسلح کرده و برای مقاو -
مت مسلحانه علیه حکومت و ارتجاع بسیج کردند و بقیه
راه سازش در پیش گرفتند و مفت و مسلحانه مردم تبریز موجب
شد که جنایت ها و ترک تازی های محمدعلیشاه (پسر مظفرالدین
شاه) که مجلس را هم به کمک ارتجاع روس به توپ بسته بود
محدود مانده، اما عدم رهبری انقلابی و احدثه های مردم
نه تنها او را از قدرت برکنار ساخت، بلکه دولت جدید که
از رهبران مبارزات توده ها در اصفهان و رشت تشکیل شده
بود، برای اومستمری هم تعیین کرد.

منفرد ماندن مبارزان تبریز در مقابل و مقامات
با دولت مرکزی وعدم آگاهی سوسیالیستی رهبران آن
آنان را نیز به عقب نشینی در مقابل حکومت وادار کرد و او -
لین اقدام حکومت جدید که بزارش سرمایه داران با
فتودالها در مقابل قدرت گیری توده ها بر سر کار آمد، خلع
سلاح مردم قهرمان تبریز و از بین بردن خطر قدرت یابی
مجدد آنها بود و بدین کار نیز موفق گشت!
انقلاب مشروطیت انقلابی بود که وظیفه داشت فتودالیم
را سرنگون و توده ها را به حاکمیت برساند، اما ضعف نیروهای
انقلابی و پرولتاریا و ضعف تجربه تاریخی طبقات کارگران
و ایران در آن زمان از یک سو و خیانت سرمایه داران به توده
ها از سوی دیگر انقلاب مشروطه را با یک سازش میان بورژوازی
بزرگ و فتودالها و حفظ فتودالیم همراه با امکان رشد
سرمایه داری و بقاء سلطه امپریالیست های روس و انگلیس
پایان داد. بعد از انقلاب مشروطه اگرچه هیچگاه استقرار و
بط فتودالی به همان شدت وحدت گذشته نبود اگرچه توده ها
در جریان مبارزه تجارب زیادی بدست آوردند، اما روابط
استعماری و استعماری همچنان باقی ماند.

انقلاب مشروطیت، به ما آموخت:
۱۰ - در عصر امپریالیسم بحزب طبقه کارگر، همه اقشار و
طبقات دیگری که در رهبری انقلاب قرار گیرند، در مقطعی
از انقلاب با قدرت حاکمه یا بقایای آن سازش کرده و مانع
نابودی کامل روابط استعماری و استعماری میشوند.
۲۰ - تنها توده های مسلح میتوانند در مقابل ارتجاع و
امپریالیسم مقاومت کنند.

۳۰ - در صورت سازشکار بودن رهبری انقلاب هر چه
هم مبارزه توده ها مشغول از دلاوریها و قهرمانیها باشد، باز
هم نمیتوانند منجر به قطع کامل وابستگی و از بین رفتن
بهره کشی و استعمار گردند.

۴۰ - اولین کار هر حکومت ضدا انقلابی و سازشکار خلع سلاح
توده ها و تشکلهای انقلابی مسلح، به اشکال مختلف است.

و.....
آری، انقلاب به توده ها درس میدهد! انقلاب مشروطیت،
قیام ۲۰ تیر، و قیام ۲۲ بهمن درسی است برای توده ها!
و تا مبارزه نهایی، مبارزه ای که ریشه هر گونه ظلم و
استثمار را براندازد و پرچم سرخ سوسیالیسم را بر فراز
کشور ما و سراسر جهان به اهتزاز درآورد، بکار نخواهد رفت ●

بقیه از صفحه ۱۶

چشم دوختن به حکومت و نه به توده ها و انقلاب، در دام بود. رزوازی گرفتار آمده و در زمان حملات مستقیم به خود بخوبی ماهیت این حامیان خود را دیده اند. همچنان با اتحادیستهای سازشکارانه به توهم توده ها دام میزنند:

* * *

حکومتگران و حامیان منافع سرمایه داری سرمایه داران برای خاموش کردن مبارزه مردم علیه بهره کشی و استثمار به شیوه های مختلفی دست میزنند. آنها نه تنها به سرکوب وحشیانه و جنایات آشکار دست میزنند بلکه همواره سعی در فریب مردم و به انحراف کشاندن مبارزان آنان نیز دارند. آنها گاه به میدان وارد شده و خود را حامی منافع مردم نشان میدهند و گاه خود را حامی سازمانهایی که مردم به آنها اطمینان دارند، نشان داده و میکوشند که با به سازش کشاندن رهبران این سازمانها و دادن امتیازاتی به این رهبران و حتی آوردن آنها در حکومت، مبارزات توده های را که به این رهبران و انقلابی بودن آنها اطمینان دارند، به سازش بکشانند. تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان از این نمونه ها بسیار دارد و سیاستهای سازشکارانه و خیانت های حزب توده در سالهای ۳۲-۳۵ به رزترین تجربه مردم ما بوده است.

تمام تلاشهای بنی صدر برای جلب رهبران مجاهدین تا قبل از آنکه حمله به مجاهدین خلق "رسمی" شود از این دست سیاست ها بود. بنی صدر و جناح بورژوازی هیئت حاکمه، باز رگان و غیره در مرحله دوم از حضور رجوی در مجلس پشتیبانی

کردند، اینان به مجاهدین اجازه سخنرانی و مناظره تلویزیونی میدادند و حاضر بودند با آنها بر سر میزگرد وحدت جمع شوند و بنی صدر تا آنجا پیش رفته بود که میخواست یک "جبهه اسلامی از مسلمانان سنتی، مسلمانان مترقی، و التقاطی ها" بوجود آورد، و امیدوار بود که در این صورت، با رفتن رهبران سازمان مجاهدین در مجلس، اینان بیش از پیش و در حالیکه چشم به درست کردن اوضاع "از بالا" دارند، هواداران انقلابی خود را به دست شستن از هر نوع مبارزه ای دعوت کنند.

اما با یک فتوی آیت الله خمینی حمله به مجاهدین در پی ارتجاع و هیئات حاکمه به سازمان مجاهدین آغاز شد و نقشه های آن زمان بنی صدر نقش بر آب شد. این خائنین و جنایتکاران از زدن هیچ اتهامی به سازمان مجاهدین خلق که سالها علیه رژیم شاه مبارزه کرده بود، کوتاهی نکرده و حتی رهبران و اعضای سازمان مجاهدین را عده ای دزد معرفی کردند.

در این میان بنی صدر و جناح بورژوازی که بقای خود را در حکومت در گرو حمله به سازمان مجاهدین میدید تمام قول و قرارهای خود را فراموش کرده و التقاطی ها را از جبهه واحد اسلامی خود بیرون راند. بنی صدر ۳ روز بعد از فتوی حمله رسمی به مجاهدین، در یک محاسبه با روزنامه انقلاب اسلامی گفت: "جبهه اسلامی باید از گرایش های مسلمانان تشکیل بشود. التقاطی خارج است و در مرز است و آنها که در داخل محدوده هستند باید پیدا و شرکت کنند. و در پاسخ سوال

خبرنگار در مورد مناظره تلویزیونی مجاهدین و اینکه اینها غالباً بحث آزاد را نمی پذیرند گفت: خوب اینجوری که نمیشود، یعنی باید فقط چماق باشد؟... و تکیه بحث را نمی پذیرند در واقع این چماق بازی زیر سر خودشان است!" (دوشنبه ۹ تیر انقلاب اسلامی ص ۲)

آری حامی سازمان مجاهدین خلق در حکومت که رهبری مجاهدین همواره در پی دادخواهی در پیشگاه او بر می آید و شکایت حزب جمهوری اسلامی را و چماق کشی های بیش از پیش او میبرد بعد از آنکه حمایت از مجاهدین را معادل تضعیف قدرت خود دید در پی آن برآمد و موضع خویش را تصحیح کند.

رشد مبارزه طبقاتی و حشمت حکومت از قدرت گرفتن سازمان مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست اینان را به حمله مستقیم به این سازمانها کشاند و هر کس که میخواست در حکومت باقی بماند میبایست به این سازمانها حمله کند، و آنان را مشتی ضد انقلاب، آمریکایی، منافق و حتی کودتاچی معرفی کنند، و این تمامی فریبکاری های دیروز بورژوازی را بر مولا کرد و آزاد بخوانان ظاهر فریبی چون بنی صدر را نیز رسوا نمود. این درس مبارزه طبقاتی به تمام کسانی بود که چشم به بالا دوخته بودند. اما سازمان مجاهدین خلق این درس را نیا موخت! علیرغم روشن شدن علل سیاستهای مماشات جویانه بنی صدر با سازمان مجاهدین، با وجود روشن شدن ماهیت ضد انقلابی بنی صدر، باز هم سازمان مجاهدین از آقای رئیس جمهور "میخواهد که از او در مقابل آنها مت"

روزنامه جمهوری اسلامی در مورد کودتا دفاع کند؟! آیا این جز چشم دوختن به بالا و جدا شدن از توده ها و انقلاب است؟

با یاد سازمان مجاهدین خلق پرسیدم گرایین "حرفها" و "توضیحات" بنی صدر بود که صداقت و انقلابی بودن سازمان مجاهدین خلق را به توده ها ثابت کرد؟! آیا هواداران سازمان از دهان بنی صدر انقلابی بودن سازمان را باور میکنند؟! یا پشتوانه انقلابی بودن سازمان مبارزه و فعالیت انقلابی این سازمان می باشد؟! یا درخاسته از رفع اتهام توسط بنی صدر نشان نمیدهد که سازمان مجاهدین خلق برای این است که توده ها حرفهای بنی صدر را بیش از دلایل و استدلال سازمان مجاهدین می پذیرند؟! آیا سالها مبارزه و سیاستهای شما علیه رژیم شاه برای این مسئله که شما نمیتوانستید در کودتای مزدوران امپریالیستی دست داشته باشید کافی نیست که اینک از بنی صدر این حامی سرمایه داری و بسته و حامی منافع سرمایه داران و سرکوبگر مبارزات زحمران و زحمتکش و خلقها و زمینه ساز کودتای امپریالیستی که بی شرمانه از ارتش شاهنشاهی دفاع میکنند میخواهید که از "عدم دخالت شما در جریان کودتا" سخن بگویند و از شما دفاع کند؟! *

نه! راه انقلاب از اتخاذ چنین سیاستهای سازشکارانه نمیگذرد! در شرایط رشد مبارزه طبقاتی و آوج گیری آتی انقلاب این وظیفه تمامی نیروهای انقلابی

بقیه در صفحه ۱۶



اخبار کردستان قهرمان

■ - در هفته آخر تیر

۳۰ تا ۴۰ نفر از پیشمرگان کومه له شبانه وارد محله ای در سنج شده و پاسدار ها را آژانجا فراری میدهند. آنها تا صبح دشهر بوده و با مردم که از آمدن آنها به شهر سراپا نمی شناختند گفتگو کردند در این مدت پیشمرگان قهرمان کومه له ۱۱ نفر از جانش ها را دستگیر و محاکمه کردند. صبح پیشمرگان بدون هیچ تلفاتی از شهر خارج شدند. بعد از رفتن پیشمرگان پاسداران عده ای از اهالی همان خیابان و محل را دستگیر کرده و از آنها میخواهند محل ورود پیشمرگه ها را بگویند و بگویند که مردم قهرمانان در مقابل این خواست آنان و خیانت به فرزندان قهرمان خود مقاومت میکنند. بقیه در صفحه ۱۴

اتهام کند!!

سازمان مجاهدین خلق در چنین شرایط رشد مبارزه طبقاتی که ترس از قدرت گیری قطب های انقلابی و رشد نیروهای انقلابی کمونیست در ایران خواب از چشم

کاری جز سرکوب، ایجاد نداشتن ضایعی و افزودن خشم و کینه توده ها ندارد و در حالیکه ایجاد یک قطب انقلابی برای جذب توده هایی که روز به روز بیشتر از حکومت میبرند، برای ادامه انقلاب اهمیت

سازمان مجاهدین خلق چه میکند؟ بعد از تنها جماعات شدید رژیم جمهوری اسلامی به سازمان مجاهدین خلق و رسمی شدن این حملات، این سازمان فعالیت های خارجی خود را محدود کرده است. روزنامه

سازمان مجاهدین خلق که با رها و بارها با اتحادیه های سیاسی سازشکارانه، با چشم دوختن به حکومت و نه به توده ها و انقلاب در دام استبداد و زاری گرفتار آمده و در زمان حملات مستقیم به خود، به حسی ناامیدانه این ها میان خود را دیده اند، همچنان با اتحادیه های سازشکارانه به ترمیم توده ها دامن میزنند!

آیا مجاهدین خلق از مبارزه طبقاتی درس می گیرند؟!

امپریالیسم ربه و سرکوب بهای رژیم جمهوری اسلامی هم برای خاموش کردن مبارزه طبقاتی راضی نمیکند، به جای افشای هیات حاکمه جمهوری اسلامی که با حفظ ارتش ضد خلقی سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و سرکوب کمونیست ها و انقلابیون و سعی در جدا کردن نیروهای انقلاب بی از توده ها، خود زمینه ساز کودتا و قدرت گیری نوکران مستقیم و مزدوران امپریالیسم است، از همین هیات حاکمه و شخصاً بنی صدر میخواهد که موضع سازمان مجاهدین خلق در مخالفت با کودتا و حتی کمک به کشف کودتا را بگوید توده ها اطلاع دهد و در واقع از انقلابی بودن و صادق بودن سازمان مجاهدین خلق دفاع کند!!

سازمان مجاهدین خلق که بارها و بارها با اتحادیه های سازشکارانه، با

حیاتی یافته است نه تنها از فعالیت علنی و موضع گیری روزمره دست شسته است بلکه از بنی صدر میخواهد که از سازمان مجاهدین خلق دفاع کند!! جریان از این قرار است که بعد از افشای کودتای مزدوران امپریالیسم روزنامه جمهوری اسلامی سازمان مجاهدین خلق را در کودتا شریک دانسته و این سازمان از بنی صدر میخواهد "برای روشن شدن" اذهان عمومی با افشای تمام جزئیات مردم را در جریان واقعیت کودتا قرار دهد!! سازمان مجاهدین خلق از بنی صدر یعنی از کسی که در جریان کودتا، قبل و بعد از آن همواره از ارتش و سران مزدوران چون باقری، فلاحتی و... دفاع کرده است، همان کسی که ارتش را پشتیبان مردم معرفی کرده و از آن بخاطر سرکوب مبارزات خلق کرد، تشکر کرده است میخواهد که از سازمان مجاهدین خلق رفع

مجاهد چاپ نشده و دفترهای علنی سازمان همچنان بسته مانده است. اینک سازمان مجاهدین خلق انتشارات خارجی خود را تنها به دفاع از تظاهرات روزافزون و اتهامات بی شرمانه حکومت محدود کرده است و تنها در مقابل دروغها و تحریفات آشکار خرد بورژوازی حاکم، چون خارج شدن ۳ نفر از کادرهای سازمان، جدا کردن گروه ابو ذرا از سازمان مجاهدین و پیام دانشجویان پیرو خط امام، به مقام پاسخویی افتاده و از افشای عملکردهای خائنانه و سیاست های ضد انقلاب بی هیات حاکمه و شرکت فعال و همه جانبه در مبارزات مردم دست شسته است.

سازمان مجاهدین خلق به دنبال سیاست های سازشکارانه اش در رابطه با بنی صدر، اینک که مزدوران امپریالیسم شب و روز در فعالیت هستند و هیات حاکمه نیز

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشانشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!